

رواداری (تلورانس) در نظام بین‌المللی حقوق بشر

رضا اسلامی* - سهیلا گل‌پور**

(تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۶)

چکیده

رواداری از مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مفاهیم در حقوق بشر بین‌الملل است. «اعلامیه‌ی هزاره‌ی سران ملل متحد» رواداری را یکی از ارزش‌های بنیادین و اساسی در کلیه‌ی روابط بین‌المللی قرن بیست و یکم قلمداد کرده است. ظهور و بروز مظاهر جدید نارواداری در سالیان اخیر نیاز به رواداری را به ضرورتی غیر قابل اجتناب مبدل کرده است. صرف‌نظر از معانی متفاوت رواداری حوزه‌های مختلف فلسفی، مذهبی و سیاسی، رواداری را در مفهوم عام و به طور کلی، می‌توان فرمول متمم‌ناهی همزیستی مسالمت‌آمیز افراد بشر را که در دیدگاه‌ها، عقاید، اعتقادات و سایر ویژگی‌های خود «متفاوت» هستند، در کلیه‌ی مراودات و مناسبات اجتماعی دانست.

این مفهوم به گونه‌ی غیر قابل انکاری با تکثر اندیشه و رفتارها همراه بوده و تکثرگرایی به ویژه تکثرگرایی فرهنگی پایه و اساس مفهوم رواداری را تشکیل می‌دهد. به لحاظ تاریخی، مفهوم مدرن رواداری در آغاز عصر کنونی توسعه و ترقی یافت، اما سوابق اندک و در عین حال مهمی از آن را در دوران باستان نیز می‌توان یافت، به گونه‌ای که در موارد متعددی نویسندگان جدید از آن الهام گرفته‌اند. اما آنچه مسلم است این که رواداری در ابتدا مفهومی کاملاً اخلاقی داشت و محدود به پذیرش حق انتخاب مذهب از سوی فرد و عمل به آن بوده است، اما بعدها - پس از قرن ۱۸ - مفهوم آن بسط یافت و

* استادیار حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران (نویسنده‌ی مسئول) Email: someal@yahoo.com

** کارشناسی‌ارشد حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران Email: s.golpoor86@gmail.com

به معنی احترام به هرگونه اعتقاد، خواه مذهبی یا سیاسی، تغییر کرد. مفهوم رواداری از یک سو مبتنی بر شناخت حقوق دیگران و احترام به شخصیت و هویت آنان در عین داشتن تفاوت در اعتقادات، فرهنگ، زبان و... است و زمینه ساز گفت و گو و تبادل اندیشه‌ها در فضایی آکنده از احترام متقابل می‌باشد. ارزش‌های اجتماعی و سیاسی نوین که هنجارهای بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق بشر از آن‌ها نشأت گرفته‌اند، در ابتدا به واسطه‌ی نیاز به رواداری به عنوان اساسی‌ترین شرط برای حفظ نظم اجتماعی تحت قاعده درآمده‌اند. از سوی دیگر، مفهوم رواداری، تبلیغ و گسترش آن، به واسطه‌ی آموزش، عاملی اساسی در برقراری صلح میان افراد، گروه‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها می‌باشد. نقش کلیدی آموزش رواداری به منظور دستیابی به صلح به وضوح در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، اعلامیه‌ی اصول رواداری و برنامه و طرح اقدام فرهنگ صلح مورد اشاره واقع شده است. کلیدواژگان: رواداری، نارواداری، تکثرگرایی فرهنگی، گفتگو، حقوق بشر، آموزش، صلح.

مقدمه

واژه‌ی «تلورانس» را که در زبان فارسی می‌توان به «رواداری» ترجمه کرد^۱، از جمله مهم‌ترین ارزش‌های بنیادین اخلاقی و سیاسی مطلوب است و امروزه در مطالبات سیاسی و حقوق بشری جایگاه والایی دارد. پیشینه‌ی رواداری به عنوان اصلی سیاسی سابقه‌ی کوتاهی در جهان مدرن امروز دارد، اما سابقه‌ی آن به عنوان یک فضیلت^۲ اخلاقی، به دوران باستان می‌رسد. بسط و توسعه‌ی ایده‌ی رواداری بعدها توسط پیر بیل و اسپینوزا صورت گرفت و توسط جان لاک^۳ به اوج خود رسید. توسعه‌ی مفهوم رواداری سیاسی توسط جان استوارت میل و در قرن هجدهم صورت گرفت. رواداری به عنوان فضیلت اخلاقی تشکیل‌دهنده‌ی پایه‌های تاریخی و فلسفی رواداری به مفهوم سیاسی و امروزی آن می‌باشد (Fiala, 2005: p. 1). امروزه مبنای رواداری احترام به شخصیت و حقوق انسانی است. بدین ترتیب، رواداری مظهر نوعی اخلاق عملی روزمره است که نخستین اصل آن انجام وظیفه‌ی انسان در نگه داشتن حرمت دیگری از هر حیث است (گلشاهی، ۱۳۷۶).

۱. معادل‌هایی چون تساهل، تسامح، مدارا، بردباری و شکیبایی نیز برای ترجمه‌ی این واژه به کار رفته‌اند. اما از آنجایی که تمامی واژه‌های فوق دلالت بر مفهوم اخلاقی رواداری دارند، لذا برای آن مناسب نیستند. از این رو در سرتاسر تحقیق حاضر از تلورانس به رواداری تعبیر شده است.

2. Virtue.

ماده‌ی یک «اعلامیه‌ی اصول رواداری»^۱ که به مفهوم رواداری اختصاص یافته است، به وضوح مفهوم رواداری را از دایره‌ی مفاهیم تاریخی - مفهوم اجازه، همزیستی - و هم‌چنین مفاهیم اخلاقی - بردباری، تحمل، تساهل و تسامح، شکیبایی، بخشندگی، بی‌تفاوتی و مدارا - خارج کرده است. این ماده بیان می‌دارد که رواداری بخشندگی یا بی‌تفاوتی در مقابل دیگران نیست، بلکه رواداری به منزله‌ی احترام و ارج‌گذاری و به رسمیت‌شناسی تکثر و غنای فرهنگ‌های مختلف جهان و احترام به اشکال بروز و شیوه‌های زندگی انسان‌هاست. بند ۳ ماده‌ی این اعلامیه، رواداری را زمینه‌ساز پیاده‌سازی و تعمیق حقوق جهانی بشر و دموکراسی معرفی کرده است. رواداری این زمینه‌سازی را از دو طریق صورت می‌دهد: از یک سو، نظر به این که جهان امروز با اشکال مختلف نارواداری مواجه است، تقویت و استوارسازی پایه‌های حقوق بشر به واسطه‌ی مبارزه با مظاهر نارواداری و تبعیض صورت می‌گیرد. بنابراین، مهم‌ترین رسالت رواداری در این راستا، مقابله با مظاهر نارواداری و ضرورت اعمال و پیاده‌سازی رواداری است. محکومیت انواع مظاهر تبعیض و نارواداری در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله مهم‌ترین این اسناد می‌توان به اعلامیه و برنامه‌ی اقدام «دوربان» در مبارزه علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و نارواداری، کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان، اعلامیه‌ی نژاد و تعصب نژادی یونسکو، بیانیه‌ی محو کلیه‌ی اشکال نارواداری و تبعیض بر مبنای مذهب یا عقیده‌ی موسوم به اعلامیه‌ی نارواداری و اعلامیه‌ی رفع هرگونه تبعیض نژادی اشاره نمود. از سوی دیگر، نظر به ضرورت حمایت از حقوق افراد و گروه‌ها در عرصه‌ی بین‌الملل، نقش رواداری در این عرصه معطوف به حمایت از افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی و هم‌چنین گروه‌های آسیب‌پذیری چون پناهندگان، کارگران مهاجر، زنان و افراد ناتوان گردید.

مقاله‌نامه‌ی بین‌المللی سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌ی آنان در سال ۱۹۹۰، اعلامیه‌ی سازمان ملل متحد در خصوص افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲، اعلامیه‌ی میان‌شورای اروپا در ۹ اکتبر ۱۹۹۳ و کنوانسیون ساختاری حمایت از اقلیت‌های مذهبی مصوب شورای اروپا در ۱ فوریه‌ی ۱۹۹۵ و کنوانسیون اقلیت‌ها در ۱ فوریه‌ی ۱۹۹۵ ضمن محکومیت نارواداری علیه گروه‌های اقلیت، پایه‌های حمایت از حقوق افراد متعلق به گروه‌ها را به واسطه‌ی اعمال

1. UNESCO Declaration of Principles on Tolerance (1995).

رواداری ارتقا بخشیده و دولت امضاکننده و قانون گذاران ملی را به ارتقای روحیه رواداری و گفتگوی میان فرهنگ ها و اتخاذ تدابیر مؤثر در جهت تسهیل، حمایت، احترام، درک متقابل و همکاری میان افراد ساکن در قلمروشان متعهد می سازد. مطالب ذکر شده در خصوص مفهوم رواداری و نیز نقشی که در وصول و دستیابی به حقوق بشر، دموکراسی و صلح دارد، بر ضرورت آموزش رواداری صحه می گذارند. ماده ۴ اعلامیه اصول رواداری در ۴ بند به ضرورت و لزوم آموزش رواداری اشاره نموده است.

بند یک ماده ۴ این اعلامیه، آموزش رواداری را مؤثرترین وسیله در راستای مبارزه با مظاهر نارواداری و به تبع آن، ارتقاء حقوق بشر و آزادی های اساسی و دموکراسی می داند. در واقع، این بخش از ماده ۴ اعلامیه به نقش آموزش رواداری در راستای مبارزه با مظاهر نارواداری اشاره می کند و آن را گامی اساسی به منظور دستیابی به حقوق بشر و آزادی های بنیادین می داند.

از آن جایی که هدف غایی و نهایی از اعمال و پیاده سازی رواداری، همان گونه که در بند ۱ ماده ۱ اعلامیه اصول رواداری اشاره گردیده، جایگزین سازی فرهنگ صلح با فرهنگ جنگ می باشد، آموزش رواداری نیز باید بر این هدف معطوف باشد. در این راستا، آموزش باید در بطن و متن خود حاوی اصول و ارزش های روادارانه باشد. در این زمینه ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۳ میثاق و ماده ۷ کنوانسیون بین المللی، رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی و بند ۴ ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک در خور توجه هستند.

به طور کلی، تمامی معاهدات فوق از ضرورت تعبیه آموزش اصول بارورکننده رواداری و ارزش های روادارانه در محتوای دروس و برنامه های آموزشی سخن می گویند. بر این اساس، آموزش رواداری مؤثرترین ابزار به منظور دستیابی به فرهنگ صلح می باشد.

نظر به اهمیت مفهوم رواداری در مناسبات فردی، ملی و بین المللی در حصول و دستیابی به حقوق جهان شمول بشری، دموکراسی و صلح، مقاله حاضر در تلاش است تا از طریق تبیین مفهوم رواداری به بررسی نقش رواداری در کسب احترام به ارزش های حقوق بشر بین الملل و دستیابی به صلح به واسطه آموزش بپردازد. به همین منظور، مقاله حاضر در سه بخش تدوین گردیده است: (۱) مفهوم، مبانی و تاریخچه رواداری. (۲) ارتباط رواداری و حقوق بشر. (۳) نقش آموزش رواداری در دستیابی به صلح.

۱) مفهوم، مبانی و تاریخچه‌ی رواداری

۱-۱) مفهوم رواداری

واژه‌ی تلورانس (Tolerance) معادل واژه‌ی رواداری در زبان فارسی می‌باشد. ریشه‌ی این کلمه در زبان‌های اروپایی مصدر «Tolerare» در زبان لاتین است، به معنای «کشیدن، تاب آوردن، تحمل کردن درد یا بار» که دو مصدر «Tolérer» و «To tolerate» به ترتیب، در فرانسه و انگلیسی از آن برآمده است که در اصل همان معنا را داشته است (آشوری، ۱۳۸۵: ۱). مفهوم رواداری بر اساس افکار لیبرالیستی سه قرن اخیر به عنوان یک ارزش بنیادین اخلاقی و سیاسی مطلوب به شمار می‌رود و امروزه نیز در خواسته‌های سیاسی و حقوق بشری جایگاه والایی دارد (Heyd, 1996: p. 2). ماده‌ی یک اعلامیه‌ی اصول رواداری با عنوان معنای رواداری در چهار بند به بیان معنا و مفهوم رواداری پرداخته است. بر طبق بند یک ماده‌ی یک این اعلامیه، «رواداری به معنای احترام، پذیرش و به رسمیت‌شناسی تکثر و غنای فرهنگ‌های مختلف جهان و احترام به اشکال بروز و شیوه‌های زندگی انسان‌هاست. رواداری به واسطه‌ی دانش، ارتباطات و آزادی اندیشه، وجدان و اعتقاد پرورش می‌یابد. رواداری به معنای تفاهم در عین تفاوت‌هاست و نه تنها وظیفه‌ای اخلاقی، بلکه ضرورتی سیاسی است و فضیلتی است که باعث جایگزینی فرهنگ جنگ با فرهنگ صلح می‌شود».

بخش اول بند سوم ماده‌ی یک در همین راستا بیان می‌دارد: «رواداری عنصری است که باعث گسترش و تعمیق حقوق بشر، کثرت‌گرایی (شامل کثرت‌گرایی فرهنگی)، دموکراسی و حاکمیت قانون می‌شود: «رواداری هرگونه جزم‌گرایی و مطلق‌گرایی را مردود می‌شمرد و بر استفاده از هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی صحه می‌گذارد».

هم‌چنین، ابتدای بند دوم و بند چهارم این ماده به تعریف رواداری از طریق مفهوم مخالف پرداخته است، آنچه که نمی‌توان رواداری نامید. این بخش از ماده‌ی یک بیان می‌دارد: «رواداری به معنای تسلیم شدن، تحقیر یا اغماض نیست، بلکه علاوه بر این‌ها، نگرشی فعالانه در رسمیت‌شناسی حقوق جهان‌شمول بشر و آزادی‌های اساسی دیگران است. رواداری تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند در خدمت توجیه تحدید ارزش‌های بنیادین قرار بگیرد و باید توسط تمامی افراد، گروه‌ها و دولت‌ها اعمال گردد».

بخش چهارم این ماده در همین زمینه بیان می‌کند: «در راستای احترام به حقوق بشر، اعمال رواداری به معنای تحمل بی‌عدالتی‌های اجتماعی و یا تضعیف اعتقادات شخصی نیست، بلکه به

معنای آزادی بر اظهار عقیده در مقابل به رسمیت شناختن همان آزادی گزینش در برابر دیگران است. رواداری به معنای به رسمیت شناختن این واقعیت است که همه انسان‌ها با وجود تفاوت در ظاهر، قومیت، زبان، شیوه‌های رفتاری و ارزشهایشان مُحِق هستند تا در صلح زندگی کنند و آن‌گونه باشند که می‌خواهند و هم‌چنین به معنای آن است که هیچ فردی حقّ تحمیل عقاید و دیدگاه‌های خود بر دیگران را ندارد».

حال بر طبق بندهای چهارگانه‌ی اعلامیه‌ی فوق، ویژگی‌های رواداری را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- رواداری به معنای احترام، پذیرش و به رسمیت‌شناسی تکثر و غنای فرهنگ‌های مختلف جهان و احترام به اشکال بروز و شیوه‌های مختلف زندگی انسان‌هاست.

- شالوده‌ی رواداری مُحِق بودن افراد در رفتار بر طبق اعتقادات خویش، حتّی در صورت وجود دیگرانی که با آن‌ها مخالف هستند، می‌باشد.

- رواداری به معنای تسلیم شدن، بخشندگی و یا تشویق رفتارهای منفی نیست. رواداری در ذات خود نگرش و رویکردی فعالانه بر اساس به رسمیت‌شناسی حقوق و آزادی‌های جهان‌شمول بشری است و هرگز نباید ابزاری در راستای توجیه نقض و زیر پا نهادن ارزش‌های اساسی و زیربنایی باشد.

- رواداری به معنای مجاز نبودن در اعمال زور بر افراد به منظور تغییر عقاید برای پذیرفتن دیدگاه و عادات مخالف است و هم‌چنین به معنای رهایی از تعصّب و پیش‌داوری می‌باشد.

- رواداری در گسترده‌ترین مفهوم به معنای خواست افراد به منظور پذیرش و به رسمیت‌شناسی حقّ افراد بر متفاوت بودن است. هم‌چنین به معنای احترام به عقاید دیگران بدون داشتن نگرش ارزشی است.

- رواداری ضرورتی است که موجبات استقرار حقوق بشر، کثرت‌گرایی (شامل کثرت‌گرایی فرهنگی)، دموکراسی و حاکمیت قانون را فراهم می‌آورد. ایده‌ی رواداری مشتمل بر مردود شمردن و ردّ جزم‌گرایی و مطلق‌گرایی بوده و باعث تقویت استانداردها و ابزارهای حقوق جهانی بشر می‌گردد.

- رواداری که ارزشی معادل با احترام به حقوق بشر می‌باشد، به معنای تحمّل بی‌عدالتی‌های اجتماعی، دست‌شستن از عقیده‌ی خود و سرسپردن به عقاید و نظریات دیگران نیست، بلکه به معنای این است که همه‌ی افراد بشر آزاد هستند که اولاً برای خود عقیده‌ای داشته باشند و ثانیاً بر مبنای نظر و عقیده‌ی خود رفتار کنند.

- هم‌چنین رواداری متضمّن رسمیت‌شناسی این حقوق برای دیگران نیز هست. نیز رواداری به معنای مجاز نبودن تحمیل عقاید افراد بر یکدیگر است.

- رواداری به این معناست که تمام مخلوقات به طور طبیعی از حیث ظاهر، زبان، رفتار و ارزشهایشان متفاوت هستند و مُحَقّ هستند که در کار یکدیگر با حفظ عقاید خاصّ و متفاوت خود در صلح زندگی کنند و نیز به معنای مجاز نبودن تحمیل عقاید افراد بر یکدیگر است (Agius & Ambrosewicz, 2003: p. 1).

۱-۲) مبانی رواداری

با در نظر گرفتن مفهوم کلی رواداری، می‌توان به چند نکته اشاره کرد که در اکثر قریب به اتفاق تعاریف ارائه شده از رواداری و به‌ویژه اعلامیه‌ی اصول رواداری، به عنوان مبانی این مفهوم در نظر گرفته شده است.

نکته‌ی اوّل این که کثرت‌گرایی به‌ویژه «کثرت‌گرایی فرهنگی» (Cultural Diversity)، پایه و مبنای اساسی فلسفی مفهوم رواداری است که با پذیرش حقوق بنیادین بشر و احترام به کرامت انسان صرف‌نظر از تفاوت‌های موجود در زمینه‌ی نژاد، مذهب، جنسیت و ... ملازمه دارد. کثرت‌گرایی فرهنگی پویا، زمینه‌ی «گفت‌وگو» (Dialogue) را فراهم آورده است و به وجودآورنده‌ی وضعیّت روادارانه خواهد بود، چراکه رواداری همراه با گفت‌وگو شکل می‌گیرد نه با بی‌تفاوتی، تک‌اندیشی و تک‌گویی آمرانه. بر این مبنا، رواداری پارادایمی است که به موجب آن ارزش‌ها و غایت‌های متفاوت و مخالف یکدیگر وارد بحث و گفت‌وگو می‌شوند و رقابت سالمی میان اندیشه‌ها و برهان‌های گوناگون صورت می‌گیرد (جهانگلو، ۱۳۸۶: ۳۵).

نکته‌ی دوم در خصوص مبانی مفهوم رواداری، اشاره به عنصر تفاوت است. در واقع، رواداری به معنای روا دانستن اندیشه و رفتاری است که با اندیشه و رفتار همیشگی فرد متفاوت است (Froese, 2008: p. 28). در خصوص عنصر تفاوت، اشاره به دو نکته ضروری می‌نماید و آن این که اولاً این تفاوت می‌بایست برای فرد مهم و اساسی باشد و در غیر این صورت، با مسأله‌ی بی‌تفاوتی روبرو خواهیم بود که زمینه‌ساز رواداری نخواهد بود (Cohen-Almagor, 1994: p. 2). ثانیاً فرد روادار باید در مقام عدم تأیید و یا عدم علاقه نسبت به اندیشه یا فعل متفاوت دیگری باشد. در واقع، نیاز به رواداری تنها در موردی است که فرد چیز متفاوت را دوست ندارد و یا نگرش‌های منفی نسبت به آن داشته باشد. در واقع، ما مسائلی را مورد رواداری قرار می‌دهیم که با

دیدگاه ما از حقیقت هم‌خوانی ندارند (Williams & Waldron, 2008: p. 79). البته افراد معمولاً اموری را که کمتر با آن مخالفت دارند، مورد رواداری قرار می‌دهند، در حالی که فردی که نسبت به اموری که نگرش‌های بسیار منفی و تنفرآمیز دارد، رواداری می‌ورزد، بسیار روادارتر است تا فردی که نسبت به اموری که صرفاً مخالف است (Jeanne & Corneo, 2007: p. 5).

ثالثاً فاعل رواداری می‌بایست قدرت مخالفت با اندیشه و فعل متفاوت را داشته باشد. در واقع، تنها زمانی می‌توان از رواداری سخن گفت که فاعل آن از آزادی و اختیار برخوردار باشد و نه از روی اجبار. کسی که چون قدرت مقابله با عملی را ندارد، به آن تن در داده، به این تن در دادنش نام رواداری نمی‌توان نهاد. در غیر این صورت، ما فقط از یک رنج بردن یا تحمل کردن ساده سخن گفته‌ایم (؛ ملکیان، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

بخش اول بند دوم از ماده‌ی یک اعلامیه‌ی اصول رواداری در این راستا بیان می‌دارد: «رواداری با کوتاه آمدن، تمکین یا چشم‌پوشی هم‌تراز نیست. رواداری بیش از هر چیز نگرشی است فعال که بر پایه‌ی پذیرش حقوق جهانی بشر و آزادی‌های اساسی دیگران استوار است».

نکته‌ی سوم در خصوص محدودیت‌های رواداری می‌باشد. شناخت اندیشه‌ی رواداری منوط به آن است که حدودش را تعیین کنیم. دفاع از رواداری بی‌حد و مرز، در واقع، خود اقدام به از بین بردن رواداری است. پذیرش رواداری بی‌حد و حصر به محو مفهوم رواداری خواهد انجامید؛ مجاز دانستن ترویج عقاید مخالف رواداری و به نام رواداری مجاز شمردن اعمالی که هدف از آن‌ها محدود کردن یا از میان برداشتن آزادی بیان، عقیده و ایمان است، نتیجه‌ای جز از بین بردن رواداری نخواهد داشت (Heyd, op.cit: p. 34).

«کارل پوپر» در کتاب جامعه‌ی باز و دشمنانش محدودیت‌های رواداری در خصوص منکرین رواداری را در راستای حفاظت از رواداری ضروری می‌داند. او در این کتاب بیان می‌دارد: «باید به خاطر رواداری این حق را برای خود محفوظ بداریم که انکارکنندگان رواداری را مورد رواداری قرار ندهیم» (پوپر، ۱۳۸۰: ۴۷۰). در مقابل، «مایکل والتزر» دیدگاهی کاملاً متفاوت با دیدگاه پوپر دارد. وی در کتاب درباره‌ی رواداری بیان می‌دارد که گاهی از دل نارواداری جماعت‌های ناروادار، افرادی پا می‌گیرند که می‌توانند رواداری کنند و نمی‌توان قائل به نارواداری مطلق در مقابل آنان شد (Walzer, 1997: pp. 80-81).

بندهای دوم و چهارم از ماده‌ی یک اعلامیه‌ی اصول رواداری، ضمن بیان مفهوم رواداری به بیان محدودیت‌های رواداری نیز پرداخته‌اند. بخش اول بند چهارم در این باب بیان می‌دارد:

«...رواداری در عمل به معنای کنار آمدن با بی‌عدالتی اجتماعی و صرف نظر کردن و یا تضعیف اعتقادات شخصی نیست. رواداری برای هر فرد به معنای آزادی انتخاب در اعتقاد شخصی و هم‌زمان قائل بودن آزادی انتخاب برای دیگران است.»

در همین زمینه، بخش آخر بند دوم این ماده تأکید می‌کند که: «...رواداری به هیچ وجه نباید در جهت محدود کردن این ارزش‌های بنیادین - حقوق بشر جهانی و آزادی‌های اساسی دیگران - مورد سوء استفاده قرار گیرد.»

رواداری در سیر تحول و تطور تاریخی، دستخوش تغییرات فراوانی گردیده است. مفهوم امروزی رواداری - از زمان مطرح شدن در عرصه‌ی بین‌الملل تا تصویب اعلامیه‌ی اصول رواداری - ارتباط وثیقی با مفهوم پیشین آن - دوره‌ی باستان تا دوره‌ی روشنگری - دارد، به نحوی که معنای پیشین رواداری به گونه‌ی غیر قابل انکاری بر مفهوم فعلی آن تأثیر گذار بوده است و پایه و اساس آن به شمار می‌رود. لذا درک معنای دقیق این مفهوم مستلزم مطالعه‌ی اجمالی در باب سیر تاریخی آن می‌باشد که در قسمت بعدی مورد بررسی اجمالی قرار خواهد گرفت.

۱-۳) تاریخچه‌ی رواداری

رواداری در سیر تکامل خود معانی مختلف را تجربه کرده است که بر اساس میزان اعتقاد به حقوق و آزادی‌های مخالفین و اقلیت‌ها در مقابل اکثریت به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند. این مفاهیم عبارتند از: مفهوم اجازه (Permission Conception)، مفهوم همزیستی (Coexistence Conception)، مفهوم احترام (Respect Conception) و مفهوم قدر و منزلت (Esteem Concept). (Forst, 2012: p. 3)

مفاهیم یاد شده مبین تحول معنایی مفهوم رواداری از عهد باستان تا زمان تصویب اعلامیه‌ی اصول رواداری می‌باشد که در بخش‌های بعدی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱-۳-۱) عهد باستان تا دوره‌ی روشنگری

به لحاظ تاریخی پیشینه‌ی رواداری به عنوان اصلی اخلاقی، به دوران یونان باستان بازمی‌گردد. در این دوران، بحث‌های فیلسوفان حول محور گزاره‌هایی چون برابری طبیعی افراد و پذیرش نسبی بودن ارزش‌ها و قواعد اخلاقی و عدم امکان تعیین معیار ثابت برای آن‌ها متمرکز بود.^۱

۱. در میان این سوابق، ابتدا می‌بایست به نقدی که سوفسطائیان بر مفهوم تمدن و تمایز سنتی میان یونانی‌ها و بربرها وارد کردند، توجه نمود. آنتیفون اصل برابری طبیعی میان افراد را عنوان نمود و ایپیا گام را فراتر نهاد

مفهوم رواداری در قرون وسطی و در گفتمان اولیه‌ی مسیحی بیشتر به عنوان راه حلی برای رهایی از اختلافات مذهبی و تعقیب و آزار اقلیت‌های مذهبی غیر مسیحی توسط قدرت حاکمه مطرح گردید. در این معنا، کار فیلسوفانی چون «ترتولیان»، «سپیریانوس»، «سنت آگوستین»، «توماس آکوئیناس» و در مرحله‌ی بعدتر، نیکولائوس کوسانوس درخور توجه هستند^۱ (مفهوم اجازه).

در زمینه‌ی وحدت و همبستگی مذهبی (مفهوم همزیستی)، نظریات دانشمندانی چون «اراسم روتردامی» (اراسموس)، «پیتر آبلارد» و «ریمندوس لولوس» در مذهب مسیحیت و «ابن میمون» و «ابن رشد» در یهودیت و اسلام قابل اشاره هستند (Forst, op.cit: p. 3).

نهضت اصلاح^۲ موجب تکثر اعتقادات مذهبی شد و مسأله‌ی رواداری مذهبی را به نحو اخص مطرح نمود. پیشرفت فرهنگ «انسان‌مدار» و اشاعه‌ی حس «انسان‌دوستی» عواملی را ایجاد نمودند که از آن‌ها نخستین نمودهای اصل رواداری در خلال دوره‌ی «انسان‌گرایی» و رنسانس پدیدار شد (مفهوم احترام) (شیرخانی، ۱۳۸۳: ۶۴).

برجسته‌ترین فیلسوف این مکتب، دانشمندی به نام «توماس مور» بود که در کتاب خود *اتوپیا* مهم‌ترین گام را در راستای تئوریزه کردن مفهوم رواداری برداشت. انتشار این کتاب یک سال پیش از انتشار نظریه‌های اصلاح‌طلبانه‌ی «مارتین لوتر» بود. بر همین مبنا، «شارل هُم» پادشاه فرانسه، در سال ۱۵۶۲ «فرمان رواداری» (Edit de Tolerance) را صادر کرد که در آن وجود دو مذهب در فرانسه پذیرفته شد (باقری، ۱۳۸۲: ۵۲).

و یک ایده‌ی جهان‌شمول مبتنی بر به رسمیت شناختن مشروعیت سنن و عقاید همه‌ی مردم را اظهار نمود. پروتاگوراس مشاهده کرد آن چیزی که برای یک عدّه درست و اخلاقی به نظر می‌رسد، برای عدّه‌ی دیگری نادرست و غیر اخلاقی است و لذا قوانین و سنت‌های متنوعی به وجود می‌آیند و تبیین معیار ثابت برای همه‌ی مردم غیر ممکن است (ر.ک؛ شیرخانی، ۱۳۸۳: ۶۲ و ۶۳).

۱. مسیحیت قرون وسطی پس از «کنستانتین» و به دلیل ایمان آوردن امپراتوران، مذهب دولتی شد. کلیسا و دولت، دوگانه‌ای را تشکیل می‌دادند که در بطن جامعه‌ای یگانه جای داشتند و این جامعه از قرن نهم میلادی جامعه‌ی مسیحی نامیده می‌شد و این هر دو نهاد، اداره‌ی سرزمین واحد خدا را به عهده داشتند. هرچند از آغاز قرن سیزدهم اندک‌اندک ملت‌ها بیدار می‌شوند و حکومت‌هایی مستقل از قلمرو حاکمیت پاپ پایه می‌گذارند. با این حال، هنوز بنیان دولت و کشور را یگانگی مذهبی اتباع آن می‌سازد (ر.ک؛ باقری، ۱۳۸۲: ۲۰).

۲. در قرن شانزدهم، دوره‌ی بزرگ و تازه‌ای در الهیات مسیحی غرب آغاز شد. الگوهای الهیات مسیحی که به قرون وسطی منسوب بودند، جای خود را به نمونه‌های تازه‌ای دادند. مهم‌ترین تحوّل عبارت بود از نهضت اصلاح دینی. این جنبش در صدد بود تا نظام اعتقادی، اخلاق و ساختارهای کلیسای غرب را با اصولی که بیشتر مبتنی بر کتاب مقدس هستند، سازگار کند. این نهضت در آغاز موجبات تأسیس طیفی از کلیساها را فراهم آورد که بعدها مجموعه‌ی آن‌ها به کلیسای پروتستان معروف شد.

بسط و توسعه‌ی ایده‌ی مدرن از رواداری توسط دانشمندی به نام «ژان بدن» (Jean Bodin) صورت گرفت. وی در مهم‌ترین اثر خود به نام شش کتاب درباره‌ی جمهوری (۱۵۷۶) توجیهی سیاسی از رواداری ارائه می‌کند و حفظ و حراست سلطه و حاکمیت سیاسی را مقلّم بر حفظ وحدت مذهبی شمرده است و از رواداری به عنوان راه حلّ برتر در اختلافات مذهبی نام برده است (Ibid.: p. 8). درگیری‌های تلخ مذهبی قرن ۱۷، تئوری‌های مختلفی از رواداری به میان آورد که در نظریات سه تن از فیلسوفان کلاسیک یعنی اسپینوزا (Spinoza)، پیر بیل (Pierre Bayle) و جان لاک (John Locke) منعکس گردید. اسپینوزا در رساله‌ی مذهبی - سیاسی، طبیعت افراد و پیر بیل در کتاب تفسیر فلسفی که با نام در باب رواداری تجدید چاپ شد، لزوم تبعیت افراد از حکم وجدان را موجب تکثّر و تعدّد عقیده‌ها دانسته است و بر این مبنا، ضرورت رواداری را توجیه و مورد تأکید قرار می‌دهند (باقری، ۱۳۸۲: ۱۶۳). اما دیدگاه مهم‌تر و در عین حال، تأثیرگذارتر در زمینه‌ی مفهوم مدرن رواداری توسط جان لاک در اثر معروف خود *نامه‌ای در باب رواداری* (A Letter Concerning Toleration) ارائه شد. وی بحث جدیدی را در فلسفه‌ی سیاست و جدا کردن جایگاه «عمل مذهبی» از «عمل سیاسی» مطرح نمود و اعلام کرد که مادامی که وضعیت حقوقی این مرزها مشخص نشود، کشاکش‌های مذهبی و سیاسی پایان نخواهد یافت (شریعت، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

لاک بر این عقیده بود که هزینه‌ی اجبار به وحدت مذهبی می‌تواند بسیار بیش از هزینه‌های تحمّل گوناگونی مذهبی باشد و این تکثّر با رواداری پایان خواهد یافت نه با زور (جهانبلگو، ۱۳۸۶: ۳). در واقع، استدلال لاک در تأیید مفهوم رواداری، استدلالی سیاسی است.

همزمان با انتشار کتاب *نامه‌ای در باب رواداری* جان لاک، پارلمان انگلیس نیز در سال ۱۶۸۹ «قانون رواداری» (Act of Toleration) را تصویب کرد که با شرایطی به فرقه‌های ناخرسند از کلیسای انگلیس اجازه می‌داد که کلیساها و معلّم‌ها و واعظان خود را داشته باشند. در واقع، از این زمان به بعد است که از مرحله‌ی رواداری شخصی یا جمعی وارد مرحله‌ی شناسایی حقی می‌شویم که قدرت دولت پایبند آن است. هم‌چنین از دل این صلح و سازش است که دولت مدرن یا «لویاتان» (Leviathan) به تعبیر هابز، زاده می‌شود که قدرت آن نه درگیر با کشمکش‌های دینی و هوادار از یک سو، که بر فراز آن‌ها پایبند صلح میان شهروندان و پاسدار آزادی‌ها و امنیت آنان است. مفهوم شهروندی مدرن نیز از این جا پدید می‌آید (آشوری، ۱۳۸۵: ۳).

نظریات «لاک و بیل» بعدها در آثار «ولتر» که به بهترین وجه نمایانگر عصر روشنگری است، تجلّی یافت. از «پیمان بردباری ۱۷۸۳» (Treaties on Tolerance) تا زمان نگارش نسخ

مختلف «فرهنگ لغات فرانسه» فعالیت‌های ولتر همگی در جهت مقابله با تعصب و حمایت از اصول آزادی مذهبی و رواداری سیاسی و ایدئولوژیک بود (شیرخانی، ۱۳۸۳: ۶۶). سرانجام لوئی شانزدهم در سال ۱۷۸۷ دومین فرمان رواداری را صادر کرد و به موجب آن به پروتستان‌ها اجازه داد که کلیسای خود را داشته باشند (آشوری، ۱۳۸۵: ۳).

اما مباحث فوق در زمینه‌ی رواداری، رواداری در مقابل نظریات سیاسی مخالف را مدنظر قرار نمی‌داد و اکثر طرف‌داران رواداری مذهبی، رواداری سیاسی را خارج از حوزه‌ی مباحث خود می‌دانستند. رواداری نسبت به آرای سیاسی مخالف مورد ادعای لیبرالیسم قرن هجدهم بود و یکی از طرفداران معروف آن «جان استوارت میل» (John Stuart Mill) بود. جان استوارت میل در کتاب *درباره‌ی آزادی* (On liberty) در سال (۱۸۵۹) مفهومی مدرن از رواداری به دست می‌دهد؛ مفهومی که دیگر بحث از توافق و سازگاری مذهبی سایه بر آن نمی‌افکند و آن را به طور کامل اشغال نمی‌کند و مفهوم رواداری را به اختلافات مذهبی محدود نمی‌کند. از نظر میل در جامعه‌ی مدرن رواداری باید سازگار با تمامی اشکال متکثر و متضاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باشد. نظریات میل پایه و اساس مفهوم نوین از رواداری را تشکیل می‌دهند (Forst, op.cit.: p. 4).

۲) طرح رواداری در عرصه‌ی بین‌الملل

پس از پایان جنگ جهانی اول، رواداری توسط جامعه‌ی ملل و از طریق سیستم حمایت از اقلیت‌ها به جهانیان عرضه شد. طرح رواداری در فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی به عنوان پیش شرط و نتیجه‌ی فلسفه‌ی جدید حقوق بشر بر پایه‌ی برابری انسان‌ها، بر طبق آنچه که در «اعلامیه‌ی دولت متفق» (The Declaration by United Nations by 26 Government on Jan. 1, 1942) در سال ۱۹۴۲ اعلام گردید، مورد توجه قرار گرفت. در این اعلامیه آمده است: «تمام انسان‌ها آزاد متولد شده‌اند و از نظر شأن و حقوق برابرند... آنان می‌بایست با یکدیگر با احساس برادری برخورد نمایند» (شیرخانی، ۱۳۸۳: ۷۵). پس از وقوع جنگ جهانی دوم و تعقیب و آزاری که از سوی نازی‌ها صورت گرفت، خاطره‌ی احترام به فرد و شأن انسانی را در اذهان پاک نمود، تا زمانی که در سال ۱۹۴۵ نظمی جدید توسط «کنفرانس سانفرانسیسکو»^۱ به وجود آمد (همان صص ۶۷-۶۸).

۱. کنفرانس سانفرانسیسکو در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ با شرکت نمایندگان پنجاه کشور در سانفرانسیسکو تشکیل گردید و تا ۲۶ ژوئن همان سال ادامه داشت. در این کنفرانس، منشور ملل متحد تصویب شد و از ۲۴ اکتبر همان سال قدرت اجرایی یافت (ر.ک؛ ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۲۴۱).

در این زمان، رواداری به عنوان بخش مهمی از نظریه‌ی آزادی شناخته شد. وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم یک بار دیگر بسیاری را به این نتیجه رساند که برای پایان بخشیدن به خشونت‌های سیاسی، مذهبی و قومی، رواداری لازم و ضروری است (قربانی دهناری، ۱۳۹۲: ۱۴۷). مقدمه‌ی «منشور سازمان ملل متحد»^۱ ذکر شده که «ما مردمان سازمان ملل متحد متعهد می‌شویم... رواداری را اعمال کرده و در کنار یکدیگر به عنوان همسایگی خوب با صلح زندگی کنیم». هم‌چنین در قسمت بعدی مقدمه نیز بر احترام به حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان‌ها و بر اعمال رواداری به منظور حفظ نسل‌های آینده از بلایای جنگ تأکید شده است (شیرخانی، ۱۳۸۲: ۷۵).

مقدمه‌ی «منشور یونسکو»^۲ نیز بر پایه‌ریزی جهان بر اساس توافق و همبستگی عقلانی و اخلاقی میان مردم تأکید می‌کند. متن اساسی فرهنگ جدید حقوق بشر یعنی «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر»^۳ در پارگراف دوم ماده‌ی ۲۶ بیان می‌دارد: «آموزش باید تفاهم، رواداری و دوستی میان تمامی ملت‌ها و گروه‌های نژادی یا مذهبی را ارتقاء دهد» (همان).

پس از آن که سازمان ملل متحد با میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر در سال ۱۹۶۶ توانست اصول تشریح شده در اعلامیه‌ی حقوق بشر را وارد هنجارهای متعارف نماید، شیوه‌ای مشابه برای تبلیغ و ترویج رواداری در نظر گرفت. در این راستا، ماده‌ی ۱۳ از «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»^۴ خواستار ارتقای تفاهم، رواداری و دوستی میان تمام ملت‌ها شد. هم‌چنین ماده‌ی ۲۰ از «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»^۵ بر این نکته به طور ضمنی صحه گذاشت (همان).

مفهوم رواداری به صورت اخص در آغاز دهه‌ی نود مورد توجه خاص سازمان ملل متحد قرار گرفت. قطعنامه‌های کنفرانس عمومی یونسکو در ۲۶C/5/6 در ۲۰ نوامبر ۱۹۹۱ و 27C/5/14 در ۱۵ نوامبر ۱۹۹۴ اولین گام‌های سازمان ملل محسوب می‌شود که با اقدامات شورای اروپا، توصیه‌های بی‌شمار مجمع پارلمانی و توصیه‌نامه‌ها، قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های

1. Charter of the United Nations (1945).
2. Constitution of the United Nations Educational, Scientific, and Cultural Organization(1945).
3. International Declaration of Human Rights(1948).
4. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.
5. International Covenant on Civil and Political Rights.

شورای وزیران پی گرفته شد. کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد در رابطه با حقوق بشر که در ژوئن ۱۹۹۳ در شهر وین تشکیل شد و با صدور «اعلامیه‌ی وین»^۱ و برنامه‌ی اقدام آن پایان یافت که یک کمیسیون اروپایی برای مقابله با نژادپرستی و نارواداری تأسیس کرد، قابل توجه است و به عنوان پایه‌های ابتکار سازمان ملل متحد به حساب می‌آیند (همان: ۶۲).

سرانجام سازمان ملل با صدور قطعنامه‌های ۴۸/۱۲۶ در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ و ۴۹/۲۱۳ در ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴، سال ۱۹۹۵ را «سال رواداری» نامید. سرانجام ۴۷ سال پس از تصویب منشور سازمان ملل متحد که به موجب آن مردمان ملل متحد مصمم به اعمال رواداری و هم‌چنین همزیستی مسالمت‌آمیز و زندگی با صلح با روحیه‌ی حُسن همجواری شده بودند، «اعلامیه‌ی اصول رواداری» در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ به تصویب رسید و پس از آن به موجب قطعنامه‌های ۵۱/۹۵، ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، روز ۱۶ نوامبر «روز جهانی رواداری» نامیده شد (همان: ۷۷).

با مقدمه‌ی فوق مشخص می‌شود که ترویج رواداری و گسترش آن لازمه‌ی رشد تمدن و احترام به حقوق بشر است. از این رو، در قسمت بعدی به بررسی این ارتباط پرداخته می‌شود.

۳) رواداری و حقوق بشر

با بررسی اسناد سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای در باب رواداری و حقوق بشر می‌توان قائل به رابطه‌ی چندوجهی بین این دو شد؛ بدین گونه: حقوق بشر مقله‌ی رواداری، رواداری مبنایی برای حقوق بشر و رابطه‌ی متقابل بین رواداری و حقوق بشر.

۳-۱) اعمال و پیاده‌سازی حقوق بشر مقدمه‌ی رواداری

همان گونه که می‌دانیم مبنایی‌ترین اصل حقوق بشر، اصل برابری انسان‌هاست؛ اصلی که در تمامی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. تحقق و پیاده‌سازی اصول حقوق بشری زمینه‌ساز گسترش فرهنگ رواداری خواهد شد؛ چراکه کانونی‌ترین اصل موجود در رواداری نیز همانا اصل برابری انسان‌ها صرف نظر از تفاوت‌های میان آنان است. از مهم‌ترین اسناد موجود در باب این ارتباط می‌توان به «برنامه‌ی اقدام دهی

1. Vienna Declaration and Programme of Action of the World Conference on Human Rights.
2. International Day for Tolerance .

آموزش حقوق بشر» اشاره کرد که در بند سوم آن یکی از اهداف آموزش حقوق بشر را ارتقای رواداری عنوان شده است. این بند بیان می‌کند: «آموزش حقوق بشر می‌بایست زمینه‌ساز... ارتقای تفاهم، رواداری، برابری جنسیتی و دوستی بین تمام ملت‌ها، مردمان بومی و گروه‌های نژادی، ملی، قومی، مذهبی و زبانی گردد».

در این زمینه، هم‌چنین می‌توان به ماده‌ی یک «اعلامیه‌ی اصول رواداری» اشاره نمود که بیان می‌دارد: «... رواداری نگرشی فعالانه است که با تمسک و به رسمیت شناختن حقوق جهانی بشر و آزادی‌های اساسی دیگران ارتقاء می‌یابد...».

۳-۲) رواداری مبنایی برای احترام به حقوق بشر

همان‌گونه که می‌دانیم به رسمیت شناختن حقوق بشر در عرصه‌ی فردی بسیار آسان می‌نماید، اما وقتی این حقوق در خصوص دیگران مطرح می‌شود، قبول و به رسمیت شناختن آن‌ها با مشکل مواجه می‌شود. بسترسازی به منظور مُحِق دانستن دیگری، هرچند متفاوت به مانند خود فرد در بهره‌مندی از حقوق مزبور مهم‌ترین نقش و کارکرد رواداری به این منظور می‌باشد.

بند ۳ از ماده‌ی ۱ «اعلامیه‌ی حقوق بشر» رواداری را تعهدی می‌داند که باعث تقویت حقوق بشر می‌شود. هم‌چنین در مقدمه‌ی «منشور سازمان ملل متحد» از رواداری با عنوان ابزاری در راستای تحقق اهداف منشور- پیاده‌سازی حقوق بشر- نام برده شده است. در این مقدمه آمده است: «... به منظور دستیابی به اهداف منشور نیازمندیم تا رواداری را اعمال، و با یکدیگر به عنوان همسایگانی خوب در صلح زندگی کنیم».

بند ۳۳ از اعلامیه‌ی وین و برنامه‌ی اقدام آن نیز اثربخشی و تعمیق آموزش حقوق بشر را منوط به توسعه‌ی آگاهی در زمینه‌ی رواداری دانسته است.

۳-۳) رابطه‌ی متقابل رواداری و حقوق بشر

در این رابطه هیچ یک از حقوق بشر و رواداری به عنوان مقدمه و پیش‌شرط دیگری تلقی نشده است و وجود هر یک در کنار یکدیگر باعث تعمیق، تقویت و رشد هر یک از آن‌ها می‌شود. بند ۱۳ از «دستور کار جهانی گفتگوی تملن‌ها»^۲ در باب این ارتباط متقابل بیان

-
1. Plan of Action for the United Nations Decade for Human Rights Education(1994).
 2. Global Agenda for Dialogue among Civilizations. A/RES/56/6, 21 November 2001.

می‌دارد: «... مجمع عمومی سازمان ملل متحد تأکید می‌کند که رواداری و احترام به تنوع، تکثر و ارتقاء و حمایت جهانی از حقوق بشر به نحو متقابلی تقویت‌کننده‌ی یکدیگر هستند...».

اقدامات بین‌المللی در راستای ارتقای حقوق بشر عمدتاً بر مبنای ضرورت مبارزه با تمامی اشکال نارواداری و حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر (مشمول بر کودکان، مهاجرین و معلولین) به منظور احترام به ارزش‌ها و حقوق جهان‌شمول بشری متمرکز گردیده است. این اقدامات در راستای نیل به اهداف یاد شده‌ی فوق در دو چهارچوب صورت می‌گیرد. نخست در چهارچوب مبارزه با مظاهر نارواداری و دوم در چهارچوب حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر.

۱-۳-۳) رواداری در چهارچوب مبارزه با مظاهر نارواداری

نارواداری عبارت است از هرگونه محدودیت، محرومیت یا طرد افراد بر مبنای تفاوت‌های موجود. نارواداری اغلب از تخفیف و خوار شمردن افراد در عرصه‌ی زبان و واژگان تا تحقیر کلیه‌ی افعال و شیوه‌ی زندگی آنان بر مبنای ویژگی‌هایی چون نژاد، رنگ، جنسیت یا مذهب را در بر می‌گیرد. علل و عوامل متعددی زمینه‌ی بروز و ظهور نارواداری را فراهم می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها تفکری است که بر مبنای آن، تنها اعتقادات و یا شیوه‌ی زندگی گروهی خاص، مقدم و برتر از دیگران تلقی می‌شود (Ellwood, 2008: p. 25).

از مهم‌ترین مظاهر و نتایج نارواداری می‌توان به تبعیض، اعم از نژادی (آپارتاید و تفکیک اجباری) و جنسیتی، خشونت، بیگانه‌ستیزی، محرومیت از حقوق اجتماعی، هتک حرمت، قوم‌پرستی، ملی‌گرایی افراطی، نازیسم و فاشیسم و تعصب و سرکوب مذهبی اشاره نمود.

از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در راستای محکومیت مظاهر نارواداری و تبعیض، «اعلامیه‌ی محو کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی»^۱ مصوب ۱۹۶۳ است. این اعلامیه حاوی دو ماده‌ی مهم در این باب می‌باشد. ماده‌ی ۹ این اعلامیه بیان می‌دارد: «هرگونه تحریک یا رفتار مبتنی بر خشونت علیه نژاد یا گروه‌های افراد متعلق به قومیت دیگر باید به موجب قانون مورد مجازات واقع شود... دولت‌ها باید اقدامات فوری و مثبتی در زمینه‌ی قانون‌گذاری و سایر طرق به منظور تعقیب افراد و سازمان‌هایی که در راستای تحریک تبعیض نژادی گام برمی‌دارند، به انجام رسانند.

1. United Nations Declaration on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination (1963).

ماده‌ی ۸ این اعلامیه نیز به مسئولیت دولت‌های عضو به منظور امحاء مظاهر مختلف نارواداری و ارتقا رواداری اشاره نموده است و بیان می‌دارد: «دولت‌ها باید گام‌های مؤثر عاجلی را در راستای آموزش اطلاعات به منظور امحاء تبعیض نژادی و تعصب و ارتقای درک متقابل، رواداری و دوستی میان دولت‌ها و گروه‌های مختلف نژادی بردارند».

«کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی»^۱ به گونه‌ی مشابه و الزام‌آورتری به این نکته توجه خاص مبذول داشته است و علاوه بر محکومیت اقدام‌های مبتنی بر تبعیض نژادی به محکومیت تنفر نژادی نیز پرداخته است. بند (الف) ماده‌ی ۴ این کنوانسیون از دولت‌های عضو خواسته است تا «... نشر هر گونه افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی و هم‌چنین اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد و یا هر گروه که از حیث رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز بذل هر نوع مساعدت، از جمله کمک مالی متفاوت به فعالیت‌های تبعیض نژادی را قانوناً از جرایم قابل مجازات اعلام نمایند».

ماده‌ی ۷ این اعلامیه دولت عاقد را متعهد به مبارزه‌ی همه‌جانبه به منظور مبارزه با تعصباتی که منجر به تبعیضات نژادی می‌شود، دانسته و نیز موظف به تعمیم و بسط تفاهم و روح رواداری و سازش و مودت در میان گروه‌ها و نژادها و اقوام مختلف و ترویج نیات و اصول منشور ملل متحد و مفاد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و اعلامیه‌ی ملل متحد درباره‌ی رفع تبعیضات نژادی و مفاد این قرارداد، اقدامات مؤثر علی‌الخصوص در زمینه‌ی تعلیم و تربیت و فرهنگ و نشر اخبار معمول می‌داند.

مقدمه و بخش دوم ماده‌ی ۵ «اعلامیه‌ی نارواداری»^۲ نیز به نارواداری در زمینه‌ی مذهب و تعصب مذهبی اشاره نموده است. مقدمه‌ی این ماده بر نقش اساسی رواداری در امحاء نارواداری مذهبی و دستیابی به آزادی مذهب و عقیده اشاره کرده است و بخش دوم ماده‌ی ۵ نیز بر ضرورت پرورش کودکان در فضایی آکنده از تفاهم، رواداری، دوستی، صلح و برادری بر مبنای احترام به آزادی مذهب و عقیده تأکید می‌نماید. نحوه‌ی بیان و اشارات «کنفرانس ضد نژادپرستی دوربان و برنامه‌ی اقدام» آن حاکی از نیاز مبرم و اساسی به اصول رواداری برای مقابله با مظاهر مختلف نژادپرستی و تبعیض نژادی و سایر رفتارهای ناروادارانه و ارتقا حقوق بشر است (Mushakoji, 2004: p. 10).

1. International Convention on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination.
2. Declaration on the Elimination of any Forms of Intolerance Based on Religion or Belief .
3. World Conference Against Racism, Racial Discrimination, Xenophobia and Related Intolerance in Durban, South Africa, from 31 August to 8 September 2001.

در واقع، در کنفرانس «دوربان» از رواداری به عنوان اصلی نام برده شده است که زمینه‌ساز تعاملات و گفت‌وگوی میان گروه‌هاست و موجب توجه افراد به نقش هویت‌های مختلف در ساختن هویت خود می‌شود. به همین علت است که کنفرانس دوربان در مقدمه‌ی خود به مذاکرات سازمان ملل متحد در خصوص رواداری و احترام به تنوع و تکثر و ضرورت گفتگو میان افراد مختلف را یادآوری می‌کند و از تبعیض به عنوان عاملی که انسایت انسان‌ها و ارزش‌های مشترک‌شان را به چالش می‌کشد، یاد کرده است و رواداری را راه حل اساسی در راستای رفع تبعیض و نهایتاً برقراری و ارتقاء حقوق بشر می‌داند (Ibid.: p. 11).

«کنفرانس بین‌الدولی در خصوص آموزش برای تفاهم بین‌المللی، همکاری و صلح و آموزش مرتبط با حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»^۱ که در سال ۱۹۸۳ در پاریس برگزار گردید، مبارزه با مظاهر نارواداری و آموزش تفاهم بین‌المللی در سیستم آموزشی را بسط داده است و آموزش از طریق مراجع غیر رسمی و سطوح بالاتر آموزش نظیر آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها را نیز در برمی‌گیرد.

۲-۳-۳) رواداری در چهارچوب حمایت از اقلیت‌ها

توسعه‌ی اقدامات بین‌المللی در جهت ارتقا و حمایت از حقوق بشر در چهارچوب حمایت از حقوق جمعی گروه‌ها و ملت‌ها، زمینه‌ساز آن شد که رواداری در دوران زندگی جامعه‌ی ملل در ارتباط با حمایت از اقلیت‌ها مورد توجه و موضوع قانون‌گذاری قرار گیرد و بار دیگر در اسناد سازمان ملل متحد و سازمان‌های اروپایی بدان توجه شود.

در این راستا، می‌توان به بیاتیه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌های فراوان سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های منطقه‌ای به منظور حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیری چون زنان، کودکان، مهاجرین و پناهندگان و اقلیت‌های مختلف قومی، مذهبی و زبانی و هم‌چنین افراد بومی اشاره نمود.

«اعلامیه‌ی سازمان ملل متحد در خصوص حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی»^۲ در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲، «اعلامیه‌ی وین»^۳ شورای اروپا در ۹ اکتبر ۱۹۹۳ و «کنوانسیون

1. Intergovernmental Conference on Education for International Understanding, Cooperation and Peace and Education Relating to Human Rights and Fundamental Freedoms, With a View to Developing a Climate of Opinion Favorable to the Strengthening of Security and Disarmament (1983).

2. Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities.

3. The Vienna Declaration and Programme of Action of the World Conference on Human Rights .

ساختاری حمایت از اقلیت‌های قومی^۱ مصوّب شورای اروپا در ۱ فوریه‌ی ۱۹۹۵، آشکارا نموده‌ای نارواداری علیه افراد فوق را محکوم می‌کنند و پایه‌های برخورداری از رواداری را ارتقاء می‌دهند. بند ۲ از قطعنامه‌ی ۶۰/۱۶۰ با عنوان «ارتقای مؤثر بیانیته‌ی حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی»^۲ در این باره بیان می‌دارد: «مجمع عمومی سازمان ملل متحد خاطر نشان می‌سازد که احترام به حقوق بشر و ارتقای تفاهم و رواداری توسط دولت‌ها در ارتقاء و حفاظت (جلوگیری از تبعیض) از حقوق اقلیت‌ها نقشی اساسی دارد».

هم‌چنین در مقدمه‌ی قطعنامه‌ی ۶۱/۱۴۹^۳ ذکر شده است که تبعیض به‌ویژه تبعیض نژادی زمینه‌ساز انکار حقوق بشر می‌باشد. در این بخش چنین ذکر شده است: «نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌هراسی و سایر رفتارهای ناروادارانه... موجب فقر، خشونت، تشدید تبعیض و محدودیت یا انکار حقوق بشر آن‌ها خواهد شد...».

سازمان ملل متحد در قطعنامه‌ی ۶۰/۱۴۴^۴ نیز بار دیگر بر ضرورت امحاء تمامی اشکال تبعیض نژادی (= نارواداری) به منظور بهره‌مندی از حقوق بشر تأکید کرد. بند ۴۷ از این قطعنامه بیان می‌دارد: «... دولت‌ها باید توجه ویژه‌ای به اثرات منفی نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌هراسی و سایر رفتارهای ناروادارانه در بهره‌مندی از حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توسط اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی، مهاجرین، متقاضیان پناهندگی و آوارگان داشته باشد». اصولی چون برابری کرامت ذاتی تمامی افراد در عین متفاوت بودن، برابری در برابر قانون و حمایت و بهره‌برداری برابر تمامی افراد از قانون، فرصت‌های برابر و مشارکت برابر تمامی افراد و گروه‌ها به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر در تمامی عرصه‌های اجتماعی در مفهوم رواداری موجبات امحاء و حذف تبعیض را فراهم خواهد آورد. دولت‌ها قادر نخواهند بود که مزایا و فواید تنوع فرهنگی را افزایش دهند، مگر با توسعه‌ی رواداری که افراد را علاقمند به تناقض دیگر افراد و درک آن‌چه که دیگران را متفاوت می‌کند و احترام به تفاوت‌ها و نهایتاً محترم شمردن دیگران می‌کند و بدین ترتیب، زمینه‌ساز اعمال حقوق بشر و دستاوردهای حقوق بشری را فارغ از تبعیض بر مبنای تفاوت‌ها فراهم می‌آورد (Ibid.: p.14).

1. Framework Convention for the Protection of National Minorities, Strasbourg, 1995.
2. Effective Promotion of the Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities (1992).
3. General Assembly Resolution, 61/147, "Inadmissibility of Certain Practices that Contribute to Fuelling Contemporary forms of Racism, Racial Discrimination, Xenophobia and Related Intolerance."
4. General Assembly Resolution A/RES/60/144, 14 February 2006 .

در بین اسنادی که با گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم سر و کار دارند، دو مقاله‌نامه سازمان بین‌المللی کار مربوط به جمعیت‌ها و مردم بومی و قبیله‌ای است. هر دوی این مقاله‌نامه‌ها حاوی مقرراتی در زمینه‌ی قبول حقوق جمعیت‌های بومی برای حفظ نهادها و سُنن خود و هم‌چنین زبان و حقوق سرزمینی است. افزون بر این «کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش» در این گروه قرار می‌گیرد (شیرخانی، ۱۳۸۳: ۴۱).

در این زمینه، چند مقاله‌نامه برای حمایت از کارگران مهاجر به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر دیگری که مستحق حمایت علیه تبعیض می‌باشند، توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) به تصویب رسیده است. اما مهم‌ترین این مقاله‌نامه‌ها، کنوانسیون بین‌المللی سازمان ملل متحد در زمینه‌ی «حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌ی آنان»^۱ می‌باشد. این کنوانسیون شامل موضوعات گسترده‌تری است؛ زیرا که طی آن تلاش می‌شود از کارگران مهاجر و خانواده‌ی آنان در بهره‌مندی از حقوق بشر بدون تبعیض حمایت شود. طبق ماده‌ی ۷ این کنوانسیون طرف‌های دولتی تعهد می‌نمایند که به تمامی کارگران مهاجر و اعضاء خانواده‌ی آنان در محدوده‌ی قلمرو و یا صلاحیت خود، حقوق پیش‌بینی شده در کنوانسیون را بدون تمایز از هر نوع برای مثال جنس، نژاد، رنگ، زبان، مذهب و یا اعتقاد یا اصالت ملی، قومی و اجتماعی محترم شمرده و تضمین نمایند.

مقاله‌نامه‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۱۱) در زمینه‌ی تبعیض در حرفه و شغل، و کنوانسیون یونسکو در زمینه‌ی تبعیض در امر آموزش سعی در حمایت علیه تبعیض در بخش‌های خاص دارد؛ جایی که گروه‌های آسیب‌پذیر بیشتر با تبعیض مواجه می‌شوند و نیاز به حمایت ویژه دارند (همان: ۴۲). با توجه به کثرت و تنوع اسناد، متون و مقالات نگاشته شده در این زمینه می‌توان دریافت که اقدامات زیادی در این راستا صورت گرفته است، اما همان‌گونه که در سطور پیشین اشاره شد، قوانین تدوین شده در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی تنها می‌تواند بر روی رفتارهای خارجی افراد تمرکز یابد و رفتارهایی را که با ملزومات رواداری در تضاد هستند، منع و تعقیب نماید و بدین ترتیب زمینه‌ساز محیط مناسب برای رواداری گردد، اما رواداری به معنای واقعی را نمی‌توان با هنجارهای قضایی تحمیل نمود. این مسأله بر ضرورت و نقش بی‌بدیل آموزش در انتقال آموزه‌های روادارانه در افراد - قبل از تجلی افکار در عمل - صحه می‌گذارد. در قسمت بعدی به این نقش اساسی آموزش پرداخته می‌شود.

1. International Convention on the Protection of the Rights of all Migrant Workers and Members of Their Families(1990).

۴) آموزش رواداری به منظور دستیابی به فرهنگ صلح

۴-۱) ضرورت آموزش رواداری

آموزش، تبلیغ و گسترش فرهنگ رواداری میان افراد، گروه‌ها، جوامع و ملل همیشه احساس شده است و در دوران حاضر با توجه به ظهور نمودهای جدید مظاهر نارواداری نیاز بیشتری بدان احساس می‌شود. ضرورت آموزش رواداری در بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد تأکید و توجه واقع شده است. با بررسی کلی این اسناد، ضرورت آموزش رواداری را به طور کلی می‌توان در دو مورد زیر خلاصه کرد:

از یک سو، آموزش رواداری و همزیستی مسالمت‌آمیز یکی از ضروریات تأمین حق بر آموزش به طور کلی، و حق آزادی وجدان به طور خاص می‌باشد. توضیح این‌که آزادی وجدان در مفهوم حقوق بشری آن، در ادبیات حقوق جهانی بسیار مهجور مانده است و به رغم برشمرده شدن آن به عنوان یک حق اساسی بشری، حقوق‌دانان کمتر به تبیین ماهیت آن پرداخته‌اند و تنها می‌توان از لابه‌لای اندیشه‌های فلاسفه و برخی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر به تبیین مفهوم آن پرداخت. اما به طور خلاصه می‌توان گفت مقصود از آزادی وجدان، آزادی فکر یا شعور آدمی است که قرین تکلیف حقوقی و اخلاقی به رواداری با سایر افکار و عقاید است. غرض از آزادی وجدان در این مفهوم آن است که زمینه‌ی ذهن انسان برای اندیشیدن، آزاد از قضاوت‌های پیشین باشد تا انسان به دنیای خردورزی وارد شود و از آن پس است که آزادی عقیده و بیان معنی می‌یابد. نقیض منطقی اعمال ناقض آزادی وجدان، رواداری است. در این معنا می‌توان به اصول مطروحه‌ی آموزش در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه‌ی حقوق کودک، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش، توصیه‌نامه‌ی یونسکو در باب آموزش برای درک بین‌المللی، همکاری و صلح و آموزش مرتبط به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اشاره نمود (نیاورانی، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

از سوی دیگر، تأثیر عمیق نگرش‌ها، اعتقادات و عقاید روادارانه در نتیجه‌ی فرآیند آموزش، بر شکل‌دهی افعال و رفتار افراد به‌ویژه از دوران طفولیت، بر نقش بی‌بدیل آموزش در ارتقای رفتارهای روادارانه و اولویت و ارجحیت آن بر محکومیت مظاهر نارواداری از طریق قانون‌گذاری در سطح ملی و بین‌المللی صحه می‌گذارد. محکومیت، جرم‌انگاری و مجازات مظاهر نارواداری اگرچه باعث نظم بخشیدن به رفتار افراد در حوزه‌ی عمل می‌شود، اما مطمئناً در بسیاری موارد قانون را یارای تأثیرگذاری کامل بر فکر و وجدان افراد نیست، چراکه این دو

متعلق به ضمیر شخص هستند که در قالب اقدامات خارجی تجلی می‌یابد. در این چهارچوب ملاحظات بیشتر تنها از طریق یک برنامه‌ی آموزشی مناسب برای آموزش افراد در زمینه‌ی رواداری و احترام به دیگران مثمر ثمر خواهد بود (شیرخانی، ۱۳۸۳: ۸۱).

در باب ضرورت آموزش رواداری و ویژگی‌های آن «اعلامیه‌ی اصول رواداری» سند پایه است. ماده‌ی ۴ این اعلامیه به طور کامل به مسأله‌ی آموزش رواداری اختصاص یافته است. بخش اول و دوم این ماده به بیان ضرورت، تأثیر و فوریت آموزش رواداری و به صورت تلویحی مبنی تقدّم آموزش رواداری بر محکومیت مظاهر نارواداری می‌باشد. این بخش از ماده‌ی فوق در این زمینه بیان می‌دارد: «آموزش مؤثرترین ابزار در راستای جلوگیری از نارواداری است. گام نخست در آموزش آشنایی با حقوق و آزادی‌های مشترک افراد به منظور کسب احترام و ارتقای خواست مبنی بر حفاظت از حقوق و آزادی‌های دیگران می‌باشد».

در ادامه‌ی بخش دوم این ماده بیان می‌دارد: «آموزش رواداری باید به عنوان اقدامی ضروری و فوری در نظر گرفته شود. به همین منظور، آموزش برای ارتقای رواداری عقلانی و سیستماتیک مشتمل بر روش‌هایی است که منشأ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی نارواداری (علل اساسی خشونت و محرومیت) را مورد خطاب و توجه قرار می‌دهد. خطّ مشی‌ها و برنامه‌های آموزشی باید به بسط و توسعه‌ی تفاهم، همبستگی و رواداری میان افراد و هم‌چنین گروه‌ها و دسته‌های مختلف نژادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و زبانی کمک کند».

بند سوم از ماده‌ی ۴ اعلامیه‌ی اصول رواداری نیز آموزش رواداری را تنها در صورتی که به نهادینه شدن این فرهنگ در قلوب افراد بینجامد، مورد توجه قرار داده است. در این راستا، هم‌چنین ماده‌ی یک اعلامیه‌ی اصول رواداری، از رواداری با عنوان ارزش و فضیلت نام برده است. بر طبق این بند، آموزش رواداری به افراد و گروه‌ها می‌بایست منجر به نهادینه شدن فرهنگ رواداری به عنوان سیستم کاملی از ارزش‌های درونی که سازنده‌ی رفتارهای روادارانه هستند، گردد.

در واقع، تنها زمانی می‌توان به رواداری به عنوان مبنایی برای احترام به حقوق بشر و دستیابی به صلح نگریست که آن را به واسطه‌ی آموزش در قلمرو ارزش‌های درونی افراد وارد نماییم. در بخش بعدی به بررسی این ارتباط پرداخته می‌شود.

بند دوم: آموزش رواداری پیش‌نیاز ترویج فرهنگ صلح

صلح که در مفهوم گسترده‌ی آن به معنای نبود مخاصمه و احترام مؤثر به حقوق و آزادی‌های بشر بدون هیچ‌گونه تبعیض می‌باشد (Hughes & Cavanaugh, 2005: p. 283). وابستگی بسیار زیادی به مفاد و نحوه‌ی آموزش دارد. اسناد بین‌المللی به‌ویژه منشور سازمان ملل متحد و اسناد حقوق بشری همواره بر لزوم آموزش فارغ از تبعیض بر مبنای نژاد، جنس، زبان، مذهب یا هر مبنای تبعیض‌آمیز دیگر یعنی بر مبنای اصول رواداری به منظور دستیابی به صلح تأکید دارند (نیاورانی، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

سازمان ملل متحد به عنوان عالی‌ترین ارگان جهانی حافظ امنیت بین‌المللی، علاوه بر وظیفه‌ی حفاظت از صلح، وظیفه‌ی پیشگیری از درگیری‌ها و ایجاد صلح را نیز بر عهده می‌گیرد و ترجیح می‌دهد به جای صرف مبالغ کلان برای برقراری دوباره‌ی صلح، از طریق گسیل نیروهای نظامی و سپس مرمت، اصلاح و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، به پیشبرد توسعه‌ی صلح به عنوان بهترین وسیله‌ی پیشگیری از درگیری‌ها تأکید و با ریشه‌کن کردن همه‌ی اشکال فقر، بی‌عدالتی اجتماعی، بیداد سیاسی، تبعیض و انحصارگرایی که از علل اساسی نزاع و برخورد هستند، از جنگ پیشگیری کند. ایده‌ی فرهنگ صلح در برنامه‌های یونسکو برای اولین بار در سال ۱۹۸۹ در کنفرانس بین‌المللی «صلح در اذهان انسان‌ها» در شهر «یاماسوکرو» در «ساحل عاج» مطرح شد.^۱ در اعلامیه‌ی نهایی این کنفرانس به یونسکو توصیه شد تا در پایه‌ریزی دیدگاه جدیدی از صلح از طریق توسعه‌ی یک فرهنگ صلح مبتنی بر ارزش‌های جهانی، احترام به حیات، آزادی، عدالت، همبستگی، رواداری، حقوق بشر، دموکراسی و برابری میان زنان و مردان کمک کند (UNESCO, 1991: p. 1).

شورای امنیت که وظیفه‌ی اصلی و اولیه‌ی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، تا کنون حدود ۳۰۰ و تورا به خود دیده که هر یک مانع از اقدام به موقع و مقتضی شورای امنیت در موقعیت‌های مختلف گردیده است. با خاتمه یافتن جنگ سرد، امید به اینکه شورای امنیت به ابزار اصلی برای پیشگیری و حل و فصل درگیری‌ها و حفظ صلح تبدیل شود، پُررنگ‌تر شد. این شورا برای اولین بار در تاریخ خود در ۳۱ ژانویه‌ی ۱۹۹۲ اجلاسی را در سطح سران کشورها برگزار کرد و از دبیرکل دعوت کرد تا تحلیل‌ها و توصیه‌های خود را در مورد راه‌های تقویت و ایجاد ظرفیت مؤثرتر ملل متحد در چارچوب مقررات منشور برای دیپلماسی پیشگیرانه، ایجاد صلح و حفظ صلح ارائه دهد. این بررسی، «دستور کاری برای صلح»^۲ نام

1. Yamoussoukro Declaration on Peace in the Minds of Men, 26 June-1 July 1989.

2. An Agenda for Peace: Preventive Diplomacy, Peacemaking and Peace-keeping: Report of the Secretary-General.

گرفت. در فوریه‌ی ۱۹۹۴ در ال سالوادور، اولین مجمع بین‌المللی در خصوص فرهنگ صلح برگزار شد. برنامه‌ی فرهنگ صلح، در استراتژی میان‌مدت یونسکو برای سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ گسترش فراوانی یافت و چهار اصل اساسی حاکم بر آن بدین ترتیب شکل گرفت: عدم خشونت و احترام به حقوق بشر، تفاهم و رواداری میان‌فرهنگی، توزیع و جریان آزاد اطلاعات، مشارکت کامل و توانمندسازی زنان (وکیل، ۱۳۸۲: ۱۸۵).

برنامه‌ی فرهنگ صلح یونسکو طی قطعنامه‌های متعددی از جمله در دسامبر ۱۹۹۶ مورد حمایت واقع شده است.^۱ «اعلامیه‌ی حق صلح» در سال ۱۹۹۸ طی اعلامیه‌ای به عنوان بستری در اجرای طرح «به سوی فرهنگ صلح» لقب گرفت. در این اعلامیه اذعان شده است که برای رسیدن به اهداف مورد نظر فرهنگ صلح، تنها تغییر نظریات ساختارهای نظامی کافی نیست، بلکه تغییرات ریشه‌ای در خود فرهنگ، جایگزین کردن فرهنگ خشونت و جنگ با فرهنگ صلح و تقویت احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی، توجه به نگرش ویژگی منحصر به فردیت انسان، رواداری با تمام اعضای خاندان بشری بدون توجه به نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، محکومیت‌های سیاسی یا غیره، نسبت ملی یا اجتماعی، ثروت، شرایط اجتماعی و غیره به عنوان باور وجدانی مردم، مورد احتیاج است (همان: ۱۸۵).

در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۹ مجمع عمومی در پنجاه و سومین اجلاس خود در حین پرداختن به دستور کار شماره‌ی ۳۱، «اعلامیه و برنامه‌ی عمل فرهنگ صلح»^۲ را تدوین کرد. در همین راستا، مجمع عمومی، سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ را به عنوان دهه‌ی بین‌المللی فرهنگ صلح و عدم خشونت برای کودکان و سال ۲۰۰۰ را به عنوان سال بین‌المللی فرهنگ صلح نام نهاد.

ماده‌ی یک این اعلامیه در ۹ بند به تعریف فرهنگ صلح پرداخته است که در بند ۹ به نقش و ضرورت رواداری در دستیابی به فرهنگ صلح اشاره شده است. بند ۹ این ماده، فرهنگ صلح را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنن و گونه‌های رفتار و طُرُق زندگی بر اساس پیروی و تبعیت از اصولی چون آزادی، عدالت، دموکراسی، رواداری، همبستگی، همکاری، پلورالیسم، کثرت‌گرایی فرهنگی، گفت‌وگو و تفاهم در تمامی سطوح اجتماع و میان جوامع، تعریف نموده است.

1. UN GA.Res.51/101, 12Des.1996 .

2. Declaration and Programme of Action on a Culture of Peace, Adopted by the General Assembly , 6 October 1999, A/RES/53/243.

در مقدمه‌ی اعلامیه‌ی اصول رواداری و بند اول ماده‌ی یک آن، از رواداری به عنوان مهم‌ترین پیش‌شرط صلح نام برده است. در این بخش از رواداری به عنوان ارزش و فضیلتی نام برده شده است که صلح را ممکن ساخته است و بدین ترتیب، باعث جایگزینی فرهنگ صلح به جای فرهنگ جنگ خواهد شد. در واقع، بر طبق این بند تمامی افراد و گروه‌ها باید به فرهنگ رواداری به عنوان سیستم کاملی از ارزش‌های اخلاقی و معنوی بنگرند که سازنده‌ی رفتار روادارانه خواهد بود. پرواضح است که دست یافتن به این فرهنگ توسط انگیزه‌های درونی و نه فاکتورهای بیرونی - به عنوان مثال ترس از مورد تعقیب واقع شدن به علت نقض حقوق دیگران - امکان‌پذیر خواهد شد. در واقع، رواداری باید برای فاعل رواداری یک وظیفه‌ی اخلاقی تلقی شده که نادیده گرفتن آن باعث شرمساری فرد در مقابل وجدان خویش می‌شود؛ نظیر دروغ گفتن. فرد بهره‌مند از فرهنگ رواداری از بروز رفتارهای ناروادارانه و خشونت‌آمیز شرمسار گشته و انگیزه‌ای درونی و قوی مانع از ارتکاب چنین افعالی توسط وی خواهد شد. برای چنین فردی رواداری یک ارزش خواهد بود؛ نظیر عشق و دوستی که رهنمای وجدان فردی و در مقیاس وسیع‌تر، وجدان گروهی خواهد شد. بنابراین، تنها با حصول شرایط فوق رواداری فضیلتی خواهد شد که صلح را ممکن می‌سازد.

رسیدن به این مرحله که گامی اساسی به منظور دستیابی به صلح می‌باشد، توسط افراد و نه دولت‌ها صورت می‌گیرد. اگرچه دولت‌ها باید تضمین‌هایی را به منظور احترام هر چه بیشتر به حقوق بشر و تشویق رفتارهای روادارانه در نظر بگیرند، اما در نهایت، دستیابی به صلح نیازمند نهادینه شدن فرهنگ رواداری در قلوب افراد است (Agius & Ambrosewicz, 2003: p. 8).

شایان ذکر است که رواداری به عنوان پیش‌شرط دستیابی به صلح بر مفهوم مثبت از رواداری مبتنی است. مقصود از رواداری مثبت، نگرشی پویا، باز و روشن در خصوص تفاوت‌ها و تمایزات، احترام به تکثر و تنوع و بارورکننده‌ی ظرفیت‌های موجود در افراد به منظور تمایز و تشخیص بی‌عدالتی و طُرُق مقابله با آن و هم‌چنین کمک‌کننده به انتقال فرهنگ معارضه به فرهنگ صلح خواهد بود (UNESCO, 1994: p. 21).

در مقابل رواداری منفی متضمن ترک فعل از سوی جامعه، دولت یا افراد است. در این معنا، ارزش رواداری در خویشنداری و ترک فعل خلاصه می‌شود. پاره‌ای از حقوق بشر نظیر آزادی بیان و رسانه‌ها در این زمره قرار می‌گیرند. این خویشنداری به منزله‌ی در نظر گرفتن حداقلی از احترام افراد، جامعه و دولت نسبت به امور و افعال اقلیت متفاوت است.

آموزش رواداری به عنوان ابزار دستیابی به صلح، بر مفهوم رواداری مثبت مبتنی می‌باشد؛ مسأله‌ای که به وضوح در بندهای یک و دو ماده‌ی یک از اعلامیه‌ی اصول رواداری مورد اشاره قرار گرفته است. بند یک این اعلامیه مفهوم رواداری را مشتمل بر احترام، پذیرش و به رسمیت‌شناسی تکثر و غنای فرهنگ‌های مختلف جهان و احترام به اشکال بروز و شیوه‌های زندگی انسان دانسته است که به واسطه‌ی دانش، ارتباطات و آزادی اندیشه، وجدان و عقیده پرورش می‌یابد. بند دوم اعلامیه در ادامه رواداری را نگرشی فعالانه در رسمیت‌شناسی حقوق جهان‌شمول بشری و آزادی‌های اساسی دیگران دانسته است که باید توسط تمامی افراد، گروه‌ها و دولت‌ها اعمال گردد.

قسمت اخیر بند دوم اعلامیه‌ی اصول رواداری تمام افراد، گروه‌ها و جوامع را به عنوان متولیان اعمال رواداری مطرح نموده است و بر نقش فعال تک‌تک افراد در تمامی سطوح در دستیابی به صلح تأکید می‌کند. این تلاش از رفتار با یک همکلاسی، دوست و همسایه با پیشینه‌ی متفاوت از ما تا عرصه‌های وسیع‌تر را شامل می‌شود. بنابراین، همه‌ی عناصر موجود در جامعه به طور بالقوه می‌توانند مرجعی برای آموزش و اعمال رواداری باشند. خانواده‌ها، مدارس، نهادهای مذهبی مشتمل بر کلیساها، معابد، مساجد و کنیسه‌ها، شوراهای شهری، نهادهای مختلف اجتماعی و فعالان اجتماعی، همه و همه از جمله نهادهای مهم و تأثیرگذار به منظور آموزش رواداری هستند. در این میان، مدارس به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی‌سازی کودکان - هرچند اجتماعی شدن ابتدا در خانواده و خارج از مدرسه نیز اتفاق می‌افتد - به عنوان مهم‌ترین متولی انتقال ارزش‌های رواداری و به منزله‌ی آزمایشگاهی برای تمرین و اجرای رواداری هستند و این مسأله مدارس را به عنوان کانونی‌ترین نهاد متولی آموزش رواداری مطرح می‌کند. در قسمت بعدی به این نقش مدارس اشاره می‌شود.

بند سوم: نقش مدارس در آموزش رواداری به منظور دستیابی به صلح

تنش‌ها و تعارضات به وجود آمده در عرصه‌ی بین‌الملل به واسطه‌ی حضور پُررنگ فقر، منتهی به نتایجی چون افزایش میزان مهاجرین، درخواست‌کنندگان پناهندگی سیاسی و کارگران جویای کار گردید. این مهاجرت‌ها زمینه‌ساز تغییر بافت فرهنگی کشورهای میزبان از «تک‌فرهنگی» (Monocultural) به سوی «چندفرهنگی» (Multicultural) در اجتماعات و بالأخص مدارس گردید. بدین ترتیب، کلاس‌های درس مبدل به جهان‌هایی کوچک متشکل از

تکثر فرهنگی ناشی از وضعیّت جدید جامعه‌ی جهانی گردید و درک و احترام میان فرهنگ‌ها لازمه و شرط اساسی برای اجتناب از تعارضات در عرصه‌های اجتماعی مختلف و به‌ویژه مدارس گردید. مسائل مطروحه‌ی فوق بر نقش و اهمیّت مدارس در انتقال آموزه‌های فرهنگی صحّه می‌گذارد. مدارس محلّی برای کسب و تحصیل انواع علوم هستند، اما نقش آن‌ها نباید محدود به انتقال اطلاعات باشد، بلکه آن‌ها هم‌چنین باید موجبات ارتقای عدالت و برابری را فراهم آورند و دانش‌آموزان را در راستای آشنایی و به چالش کشاندن انواع متفاوت تبعیض، پیش‌داوری، تعصّب و مظاهر نارواداری یاری رسانند. مسائل ذکر شده‌ی فوق، مدارس را به مهم‌ترین نهاد به منظور آموزش رواداری مبدّل می‌کند. در مقیاس گسترده‌تر رواداری می‌تواند کلّ جامعه را نیز تحت الشعاع قرار دهد (Agius & Ambrosewicz, 2003: p. 19).

اما آن‌چه که مدارس را به مهم‌ترین نهاد در این راستا مبدّل می‌کند، مستلزم رعایت اصولی از سوی متولّیان و دست‌اندرکاران مدارس است که در دو محور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اول: الگوسازی رواداری

کودکان بیشترین درک و شناخت در خصوص دیگر افراد را در خانواده و مدرسه کسب می‌کنند. بنابراین، باید از بیان اظهارات منفی در مورد گروه‌های مختلف نژادی، قومی یا مذهبی خودداری کنند. گروه‌ها و اقلیّت‌های مختلف نباید هیچ‌گونه نگرانی در خصوص ویژگی‌هایی که آن‌ها را در اقلیّت قرار می‌دهد، داشته باشد. نهادینه‌سازی هرچه بیشتر الگوی رواداری در مدارس، مستلزم رعایت اصولی از سوی متولّیان و دست‌اندرکاران مدارس است که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد (Ibid).

تهیّه کردن اطلاعات مناسب

اطلاعات مناسب و واقعی در زمینه‌ی اشخاص، وقایع، عکس‌العمل‌ها و احساسات و انتقال صحیح آن‌ها به دانش‌آموزان. این مسأله به خصوص در مواردی که اخبار مغرضانه‌ای در خصوص برخی گروه‌های خاص مطرح می‌شود، حائز اهمیّت است. شورای اروپا در توصیه‌نامه شماره‌ی ۱۲۰۲ خود با عنوان «رواداری مذهبی در یک جامعه‌ی دموکراتیک»^۱ به این موضوع

1. Council of Europe, "Religious Tolerance in a Democratic Society", Parliamentary Assembly, Recommendation 1202(1993).

پرداخته است و آگاهی را پیش شرط رواداری و عدم آگاهی و اطلاعات صحیح را موجد مظاهر مختلف نارواداری دانسته است (Ibid).

جلوگیری از تعمیم دادن ویژگی‌های منفی افراد و کشورها

کودکان و دانش‌آموزان به راحتی ویژگی‌های منفی را در رابطه با هم‌کلاسی‌های خود یا دیگر افراد جامعه عمومی می‌بخشند؛ به عنوان مثال توجه بیش از حد به ملیت یا وابستگی یا ویژگی‌های ظاهری یک گروه تروریستی یا مرتکبین دیگر خشونت‌ها می‌تواند موجبات پیش‌داوری، کینه و بی‌اعتمادی نسبت به افراد بی‌گناه دیگر را فراهم آورد. بنابراین، بیان و کلام والدین و معلمان باید عاری از جنبه‌های پیش‌داوری و تعصب بوده و در صدد برطرف کردن پیش‌داوری‌ها و تعصبات غیر منطقی آن‌ها باشند (Ibid).

متوقف کردن هر نوع آزار و اذیت و تحکم

کودکان و دانش‌آموزان باید متوجه بشوند که این افعال غیر منطقی و غیر قابل قبول هستند و سعی شود که در خصوص علت و فلسفه ارتکاب این افعال مورد توجه قرار گرفته است و راه حل‌های منطقی به منظور بیان اختلاف نظر به آنان پیشنهاد شود (Hossain, 1997: p. 52).

مشخص کردن مسائل، موارد و مواضع انتقادآمیز به صراحت و وضوح

مشخص کردن مسائل چالش‌برانگیز و ارزیابی و قضاوت غیر جانبدارانه در قبال آن‌ها، اجتناب از رفتارهای گزینشی و مبتنی بر پیش‌داوری به هنگام اختلاف میان دانش‌آموزان، تشویق دانش‌آموزان بر سرزنش کردن خود قبل از سرزنش دیگران، دانش‌آموزان نباید انتقاد از رفتار یک گروه را مبنایی برای برتری خود بدانند. جدا ساختن فعل اقلیت خاص یک گروه از دیگر افراد آن گروه در زمینه‌ی قضاوت‌های افراد بسیار حائز اهمیت است. این مسأله به‌ویژه در خصوص افعال تروریستی بسیار حائز اهمیت است.

در واقع، محکومیت چنین افعالی ملازمه‌ای با نادیده گرفتن حقوق سایر افراد متعلق به آن گروه ندارد. آموزش دانش‌آموزان و کودکان به منظور درک این نکته که همه‌ی افراد بی‌گناه هستند تا زمانی که دلیلی محکم، مستدل و منطقی توسط مراجع قانونی علیه آنان اقامه نشده است (Ibid).

تشریح کردن احساس مورد انتقاد واقع شدن از روی بی‌عدالتی از دانش‌آموزان خواسته شود تا در خصوص تجربیات خود از بی‌عدالتی اعمال شده توسط اعضای خانواده یا دوستان صحبت کنند و به بیان احساسات خود پردازند. تلخی چنین تجربیاتی باعث عدم تکرار مواردی از این دست توسط قربانیان بی‌عدالتی خواهد شد (Ibid).

کشف ریشه‌های ترس دانش‌آموزان

بررسی و تحقیق در مورد ریشه‌های ترس کودکان و دانش‌آموزان در خصوص اعضای یک گروه نژادی، مذهبی و یا یک قومیت خاص در ارتقای رفتارهای روادارانه بسیار مثمر ثمر خواهد بود. بدین منظور می‌توان از دانش‌آموزان خواست که در خصوص علت ترس خود از گروه‌های مختلف صحبت کنند (Ibid).

ارائه‌ی تصویر مثبت، مانوس و واقعی از گروه‌های مختلف

معرفی گروه‌های مختلف از حیث مذهبی، نژادی و قومی به منظور آشنایی دانش‌آموزان با این گروه‌ها و درک جایگاه آنان در زندگی خود. این گروه‌های متفاوت و مختلف می‌توانند در میان هم‌کلاسی‌ها، همسایگان و پرسنل مدرسه و... باشند. از دانش‌آموزان خواسته شود که ویژگی‌ها، ارزش‌ها و تجربیات مشترکی با گروه‌های مختلف دارند، بیان کنند (Agius & Ambrosewicz, 2003: p. 9).

معرفی قهرمانان ملل مختلف به دانش‌آموزان که در شکل‌گیری حماسه‌های تاریخی و یا پیشگیری از اتفاقات ناگوار سهم بسزایی داشته‌اند این قهرمانان شامل جنگجویان، افسران پلیس، گروه‌های نجات، پرسنل نیروی نظامی، پرستاران، مأموران خدمات عمومی، پزشکان، رهبران مذهبی، معلمان و همه‌ی عناصر و اعضای جوامع که در خلق اتفاقات غرورآفرین تاریخی نقش بسزایی ایفا کرده‌اند تا دانش‌آموزان، مدارس، خانواده‌ها و جوامع ایمن باشند (Ibid).

سپردن مسئولیت خدمات عام‌المنفعه به گروه‌های متفاوت

انجام چنین اموری باعث تقویت حس همبستگی و همدردی میان گروه‌های مختلف گردیده است و زمینه‌ساز احترام بیشتر میان آنان می‌شود (Ibid).

شرح و توصیف نمونه‌های تاریخی نارواداری اعمال شده در کشور خود
معلمان در کلاس درس می‌توانند نارواداری‌های اعمال شده توسط کشور خود در خصوص
دیگر کشورها را شرح، و نتایج ناگوار این نارواداری را مورد شرح و نقد قرار دهند
(UNESCO, 1994: p. 19).

آشناسازی بهتر و بیشتر دانش‌آموزان با اجتماعات و ادیان حاضر در منطقه‌ی محل تحصیل و زندگی
آشنایی با افراد و فرهنگ‌های مختلف و زدودن افکار نادرست و غلط در باب آن‌ها از
اذهان دانش‌آموزان باعث ارتقای نگرش‌های انسانی نسبت به اعضای اجتماعات مختلف را
فراهم خواهد آورد. دانش‌آموزان متعلق به فرهنگ‌های مختلف در مدارس می‌توانند در
خصوص خانواده یا رسوم فرهنگی خود صحبت کرده، به منظور تأکید بر این که هر گروهی
دارای عقاید و سُنن خاص خود است (Agius & Ambrosewicz, 2003: p.10).

خواندن کتاب‌هایی که حاوی اطلاعاتی در خصوص پیش‌داوری، رواداری و تنفر هستند، برای
دانش‌آموزان
کتاب‌های بسیاری در زمینه‌های فوق برای تمام سنین وجود دارند که می‌توان از
دانش‌آموزان خواست احساسات و نظریات خود را در باب آن‌ها بیان کنند و از این طریق، به
اصلاح عقاید ناروادارانه و یا تقویت تفکرات روادارانه در دانش‌آموزان کمک کنند (Ibid).

دادن اطلاعات کافی و مناسب به والدین دانش‌آموزان
آشناسازی والدین با مصادیق نارواداری به منظور نهادینه‌سازی رواداری و اجتناب از
رفتارهای ناروادارانه در محیط خانه (Ibid).

آموزش پرسنل مدارس
تمامی پرسنل مدرسه باید به منظور الگوسازی رواداری مورد آموزش قرار بگیرند و به محض
مشاهده‌ی رفتارهای ناروادارانه‌ی دانش‌آموزان وارد عمل شده و تذکرات لازم را گوشزد کنند. این
آموزش از رانندگان سرویس مدارس تا معلمان دروس فوق برنامه را در برمی‌گیرد (Ibid).
در کنار اصول مشروحه‌ی فوق، رعایت اصول اختصاری زیر نیز در این زمینه راهگشا خواهند بود:

- الف) مسئولیت مدارس در آموزش رواداری یعنی این که مدارس باید خود را ملزم به آموزش و اعمال رواداری بدانند.
- ب) دید و برخورد مثبت در قبال قومیت‌ها و نژادهای مختلف.
- ج) آموزش تفکر همه‌جانبه و کل‌نگرانه.
- د) تنظیم متدولوژی آموزشی بر مبنای فرهنگ‌های مختلف.
- ه) تأکید بر مشابهت‌های دانش‌آموزان در تمامی عرصه‌ها.
- و) مبارزه‌ی جدی با تمامی مظاهر نژادپرستی.
- ز) توجه عمده به مراودات بین فرهنگ‌های مختلف.
- ح) به رسمیت‌شناسی ارزش و اهمیت فرهنگ‌های مختلف بدون نادیده گرفتن فرهنگ غالب، اما با تأکید بیشتر بر فرهنگ‌های مهاجر در شکل‌گیری فرهنگ غالب.
- ط) گسترش همستگی و پذیرش متقابل میان دانش‌آموزان.
- به رسمیت‌شناسی و تشویق به کارگیری زبان مادری توسط دانش‌آموزان به منظور ارزش‌دهی به این زبان‌ها.
- ی) توجه عمده به پتانسیل عمده‌ی محتوای بسیاری از دروس به خصوص انواع هنرها در گسترش و ارج نهادن به فرهنگ‌های مختلف.
- ک) ارتقای فعالیت‌های میان فرهنگ‌های مختلف میان دانش‌آموزان به منظور آشنایی آنان با فرهنگ‌های یکدیگر.
- ل) ارتقای ارتباطات مؤثر میان افراد بومی و غیر بومی در سطوح مختلف از مدارس گرفته تا کل جامعه.
- م) گسترش هر چه بیشتر مهارت معلمان و متولیان مدارس به منظور پیاده‌سازی اصول مطروحه‌ی فوق به نحو احسن.
- ن) اطلاع‌رسانی به والدین دانش‌آموزان به منظور اجتناب از پایه‌ریزی و نهادینه‌سازی تبعیض نسبت به سایر افراد و گروه‌های نژادی.
- ق) آموزش پرسنل و کارکنان مدرسه از رانندگان سرویس مدارس تا معلمان دروس فوق برنامه، همه و همه به منظور الگوسازی رواداری در مدرسه (Ratulea, 2007: p. 145).
- به منظور تعبیه‌ی اصول فوق در برنامه‌های آموزشی و در راستای تضمین احترام میان فرهنگ‌های مختلف در مدارس، سازمان یونسکو آموزش چندفرهنگی (Multicultural Education)

و آموزش میان‌فرهنگی (Intercultural Education) را در رأس برنامه‌های خود قرار داد. در ادامه به بررسی مفهوم، اصول و نقش این نوع آموزش و نقش آن در ارتقای رواداری به منظور دستیابی به صلح پرداخته می‌شود.

دوم: آموزش چندفرهنگی و آموزش مبتنی بر تعامل فرهنگی

آموزش میان‌فرهنگی و آموزش مبتنی بر تعامل فرهنگی امروزه جزو اصطلاحات متداول به منظور ارتقای رواداری در مدارس با هدف دستیابی به فرهنگ صلح هستند. بند ۳۶ از «برنامه‌ی اجرایی قطعنامه‌ی ۵.۶، مربوط به تصویب اعلامیه‌ی رواداری و پیشنهادات مرتبط با پیگیری طرح اقدام سال رواداری»^۱، ضمن تأکید بر نقش محوری آموزش رواداری در دستیابی به صلح از ضرورت تعبیه‌ی اصول مبتنی بر آموزش چندفرهنگی و آموزش مبتنی بر تعامل فرهنگی در برنامه‌های آموزشی مدارس به منظور ارتقاء، حقوق بشر، دموکراسی و پیاده‌سازی فرهنگ صلح نام برده است. از این رو، در قسمت بعدی ضمن اشاره به مبانی، تعریف و نتایج این دو نوع از آموزش به ارتباط آن‌ها در نهادهای رواداری به منظور دستیابی به فرهنگ صلح در مدارس مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. مبانی آموزش مبتنی بر تعامل فرهنگی و چندفرهنگی

نکته‌ی اول این که مقصود از واژه‌ی فرهنگ در اصطلاحات چندفرهنگی و تعامل فرهنگی، مستفاد از مقدمه‌ی اعلامیه‌ی جهانی یونسکو در زمینه‌ی تنوع فرهنگی عبارت از «مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز معنوی، مادی، فکری و احساسی که معرف یک جامعه یا گروه اجتماعی است و علاوه بر هنر و ادبیات مشتمل بر شیوه‌های زیستن، اشکال زندگی جمعی، نظام‌های آموزشی، آداب و رسوم و باورها می‌باشد».

نکته‌ی دوم در باب تعریف و هدف از آموزش است. کنفرانس جهانی یونسکو در زمینه‌ی آموزش با عنوان سهم (نقش) آموزش در توسعه‌ی فرهنگی^۲ آموزش را این چنین تعریف کرده

1. Implementation of 26 C/RESOLUTION 5.6, Concerning the Adoption of a Declaration on Tolerance and Proposals Relating to a Follow-up Plan of Action for the United Nations Year for Tolerance: Reported by the Director – General .

2. UNESCO International Conference on Education, 43rd Session, The Contribution of Education to Cultural Development (1992).

است: «آموزش ابزاری برای پیشرفت همه‌جانبه‌ی افراد انسانی و شرکت فعالانه در اجتماع می‌باشد».

نکته‌ی سوم در خصوص تعریف اصطلاحات «چندفرهنگی» (Multiculturalism) و «تعامل فرهنگی» (Interculturalism) در عرصه‌ی آموزش می‌باشد.

ترکیب چندفرهنگی، مبین تنوع سرشت افراد انسانی از نظر فرهنگی است. این مفهوم نه تنها شامل تنوع موجود قومیت‌ها و ملیت‌هاست، بلکه مشتمل بر تنوع‌های زبانی، مذهبی و اجتماعی - اقتصادی نیز می‌شود.

در مقابل، واژه‌ی تعامل فرهنگی مفهومی پویا است و اشاره به روابط و مناسبات در حال تغییر و تحول میان گروه‌های فرهنگی دارد. تعامل فرهنگی مستفاد از «کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی»^۱ عبارت از موجودیت و تعامل عادلانه‌ی فرهنگ‌های مختلف و امکان ایجاد بیان‌های فرهنگی مبتنی بر گفتگو و احترام است.

نکته‌ی چهارم در خصوص این دو نوع از آموزش، ارتباط میان آن‌هاست. توضیح آن‌که تعامل فرهنگی بر مفهوم چندفرهنگی به عنوان پیش شرط آن مبتنی است و در نتیجه‌ی تبادلات میان فرهنگ‌های مختلف گفتگو در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است (UNESCO, 2006: p. 12).

نکته‌ی پنجم در این زمینه، ارتباط متقابل و دوسویه‌ی آموزش و فرهنگ است. از یک سو، فرهنگ نقش سازنده‌ای در شکل‌دهی محتوای آموزش و انتقال آن دارد؛ زیرا از یک سو چهارچوب‌های فکری، عملی، عقاید، نحوه‌ی اندیشیدن و احساسات همگی منبعث از فرهنگ به عنوان مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده‌ی تفکرات و اعمال است و بنابراین، تمامی بازیگران عرصه‌ی آموزش اعم از معلمان، دانش‌آموزان، تدوین‌کنندگان برنامه‌های آموزشی و به طور کلی، تمام اعضای جامعه - اعم از خانواده، دوستان و همکاران - تحت تأثیر محرک‌ها و انگیزه‌های فرهنگی در انتقال آموزش و بیان مفاهیم آموزشی هستند. در واقع، تأثیر عمیق نگرش‌ها، اعتقادات و عقاید هر یک از بازیگران عرصه‌ی آموزش بر شکل‌دهی و بیان محتوای آموزش به نقش غیر قابل انکار فرهنگ بر آموزش صحه می‌گذارد. از سوی دیگر، آموزش نیز نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری عناصر فرهنگ و به‌ویژه حفظ و نگهداری آن‌ها دارد. بر این مبنا، فرهنگ بدون انتقال و غنابخشی آموزش در معرض نابودی قرار خواهد گرفت (Ibid).

1. UNESCO Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions(2005).

نظر به تأثیرپذیری متقابل آموزش و فرهنگ، آموزش چندفرهنگی و آموزش مبتنی بر تعامل فرهنگی به عنوان مهم‌ترین پیش شرط به منظور تأمین احترام به فرهنگ‌های مختلف، تفاهم متقابل و تضمین همبستگی و ارتقای رواداری میان آن‌ها، ضرورت تعیین این نوع از آموزش در برنامه‌های آموزشی مدارس مورد تأکید واقع شده است.

حال با توجه به مقدمه‌ی فوق، آموزش چندفرهنگی و میان‌فرهنگی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «آموزش چندفرهنگی عبارت است از آموزشی که تکثر موجود در جوامع متنوع را به رسمیت می‌شناسد و می‌پذیرد. در این نوع از آموزش، نیازهای آموزشی اقلیت‌ها به دقت مورد توجه قرار می‌گیرد، اما اهداف آن محدود به آن‌ها نمی‌شود.

آموزش چندفرهنگی، دانش آموزان را مهیای زندگی در جامعه‌ای چندفرهنگی می‌نماید و وابستگی متقابل میان گروه‌های مختلف قومی، مذهبی و فرهنگی را قبول می‌کند و به رسمیت می‌شناسد و میراث مشترک میان آنان را ارج می‌نهد. این نوع از آموزش، عناصر سطحی فرهنگ مانند وقایع خاص، افسانه‌ها و غذاها و عناصر عمیق آن نظیر اعتقادات، ارزش‌ها، افعال، تابوها و رازها را شامل می‌شود» (Agius & Ambrosewicz, 2003: p. 10).

اما آموزش میان‌فرهنگی چیزی بیش از پذیرش، به رسمیت‌شناسی و ارج نهادن به تفاوت‌هاست. این نوع از آموزش در تمامی روابط، مناسبات و مراودات میان افراد متعلق به فرهنگ‌های مختلف ساری و جاری است. آموزش میان‌فرهنگی بخشی از آموزش بین‌المللی به منظور دستیابی به تفاهم و رواداری از طریق آموزش در زمینه‌ی هویت شخصی و ملی، آموزش پیرامون توافقات اقتصادی و صنعتی، آموزش برای شهروندی و در نهایت آموزش در خصوص جامعه‌ی جهانی است (Ibid).

۲. اهداف و نتایج آموزش مبتنی بر تعامل فرهنگی و آموزش چندفرهنگی

با توجه به محتوا و مفهوم آموزش چندفرهنگی و مبتنی بر تعامل فرهنگی اهداف آن را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- آماده‌سازی دانش آموزان به منظور زیستن در فضایی دموکراتیک هم‌چنین فراهم آوردن امکان بحث و گفتگوی آزاد دانش آموزان در نهادهای رواداری در بین دانش آموزان در جای‌جای جهان و در نهایت همزیستی صلح‌آمیز آنان مؤثر خواهد بود.

- ارتقای درک و دریافت حس‌گشودگی و پذیرا شدن فرهنگ و تاریخ متفاوت دیگر افراد و هم‌چنین آشنایی با انسانیت مشترک یکدیگر، نیز در خصوص طُرُق مسالمت‌آمیز دفع اختلافات و تعارضات در بین دانش‌آموزان.

- زمینه‌سازی به منظور مطالعه در خصوص عناصر فرهنگ‌های مختلف نظیر سُنَن، رسوم، مذاهب، ارتباطات شفاهی و مکتوب که این امر موجبات کشف نکات مشترک فرهنگی و نیای مشترک افراد مختلف می‌گردد و زمینه‌ساز احترام متقابل و در نهایت صلح را فراهم خواهد.

دستیابی به اهداف فوق مستلزم تعیبهی آموزش چندفرهنگی و به خصوص آموزش مبتنی بر تعامل فرهنگی در برنامه‌های آموزشی، محتوای کتاب و دروس و دیگر ابزارهای آموزشی شامل تکنولوژی در آموزش جدید به منظور تربیت شهروندانی نوع‌دوست و مسئول و آزاداندیش نسبت به فرهنگ‌های دیگر و ارتقای توانایی دانش‌آموزان در ارج نهادن به ارزش آزادی، احترام به کرامت انسانی و تفاوت‌ها و جلوگیری کردن از بروز و ظهور مظاهر نارواداری و یا حل آن‌ها به طُرُق مسالمت‌آمیز می‌باشد (UNESCO, 1991, op.cit: p.19).

ویژگی‌های این نوع از آموزش در اسناد مختلف بین‌المللی با موضوع آموزش به طور صریح و تلویحی مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله‌ی این اسناد می‌توان به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه‌ی حقوق کودک، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش، توصیه‌نامه‌ی یونسکو در ارتباط با آموزش به منظور درک بین‌المللی، همکاری و صلح و آموزش مرتبط به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، کنوانسیون بین‌المللی در زمینه‌ی محو کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی، اعلامیه‌ی نارواداری، کنوانسیون آموزش تخصصی و فنی، کنوانسیون بین‌المللی در خصوص حفاظت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌هایشان، کنوانسیون یونسکو در خصوص حفاظت و ارتقای تنوع بیان‌های فرهنگی، اعلامیه‌ی تنوع فرهنگی و... اسناد فراوان منطقه‌ای، توصیه‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی اشاره نمود (Ibid).

کثرت اسناد مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای با محتوای ضرورت آموزش با هدف ارتقای رواداری، احترام به حقوق بشر، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح، حاکی از نقش اساسی و مهم آموزش در دستیابی به اصول مطروحه‌ی فوق می‌باشد.

نتیجه

در دهه‌های گذشته و به‌ویژه در سال‌های اخیر افزایش نمودها و مظاهر نارواداری در سطوح مختلف از قبیل نژادپرستی، قومیت‌گرایی، یهودستیزی، اسلام‌هراسی، بیگانه‌ستیزی، خصومت‌های مذهبی و جنسی، ضرورت آموزش رواداری و تبلیغ آن میان افراد، گروه‌ها، جوامع و ملل را بیش از پیش به مسأله‌ای مهم و اساسی مبدل ساخته است.

متون بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق بشر ضرورت ترویج رواداری را به منظور مبارزه با تمامی اشکال نارواداری و هم‌چنین حمایت از اقلیت‌ها و مهاجرین مورد توجه قرار می‌دهند. کثرت و تنوع بیانیته‌ها، اعلامیه‌ها، توصیه‌نامه، کنوانسیون‌ها در محکومیت مظاهر متفاوت نارواداری نشان‌دهنده‌ی توجه خاص جامعه‌ی بین‌المللی در این راستا می‌باشد. اما این ابزارهای قانونی تنها بر رفتارهای خارجی افراد که با ملزومات رواداری در تضاد هستند، تمرکز می‌یابند. این در حالی است که رواداری واقعی را نمی‌توان با هنجارهای قضایی تحمیل نمود. این مسأله اهمیت آموزش رواداری به ویژه در سنین کودکی را به موضوعی اساسی مبدل کرده است، چرا که نگرش‌ها و مظاهر نارواداری که عمدتاً نشأت گرفته از تفکری است که افراد ایدئولوژی و عقاید خود را برتر از دیگران می‌دانند، در سنین آغازین تولد کودک شکل گرفته است و در روند اجتماعی شدن کودک از خانواده تا مدرسه و دانشگاه در وی نهادینه می‌شود. از آنجایی که بخش اعظم روند اجتماعی شدن افراد در مدارس صورت می‌گیرد، مدارس نقش غیر قابل انکاری در توسعه‌ی ایده‌های روادارانه و ارج نهادن و احترام به کرامت انسانی تمامی افراد دارند. مدارس نه تنها فعالیت‌های اجتماعی روزانه‌ی دانش‌آموزان را تمشیت می‌کنند، بلکه ضمن آماده‌سازی آنان برای آینده، آمال، آرزوها و رؤیاهای آنان را نیز شکل می‌دهند. هم‌چنین مدارس نقشی تعیین‌کننده بر طرح‌ریزی آینده‌ی دانش‌آموزان برای دستیابی آنان به اهداف اجتماعی‌شان دارد. به همین منظور آموزش و پرورش باید حاوی دو نکته‌ی کلیدی باشد: (۱) مبارزه با تعصباتی که به تبعیض می‌انجامد. (۲) گسترش تفاهم، دوستی و به‌ویژه رواداری در میان ملت‌ها و گروه‌های نژادی و قومی.

از سوی دیگر، برنامه‌های آموزشی با هدف نهادینه کردن رواداری در بین دانش‌آموزان به منظور همزیستی صلح‌آمیز میان آنان مؤثر خواهد بود، چرا که بخش اعظمی از مناقشات و اختلافات در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره که تهدیدکننده‌ی صلح به شمار می‌روند، در اثر ناآگاهی و عدم آشنایی فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر است. مطالعه در

خصوص عناصر فرهنگ‌های مختلف نظیر سُنن، رسوم، مذاهب، ارتباطات شفاهی و مکتوب، جشن‌ها، اعیاد، سوگواری‌ها و امکته‌ی فرهنگی و مذهبی یا موزه‌ها در این زمینه بسیار کمک‌کننده هستند. این امر موجب کشف نکات مشترک فرهنگی و نیای مشترک افراد مختلف می‌گردد و زمینه‌ساز احترام متقابل و نهایتاً صلح را فراهم خواهد آورد.

ارج نهادن به تنوع، توانایی زندگی کردن و اجازه‌ی زندگی دادن به دیگران، توانایی اختیار کردن عقاید فردی و در عین حال، به رسمیت‌شناسی دیگران در پایبندی به عقاید خود، توانایی استفاده از حقوق و آزادی‌های فردی بدون تجاوز کردن به حقوق و آزادی‌های دیگران، رواداری را به عنوان ارزش و فضیلتی اخلاقی به عنوان پایه و اساس حقوق بشر و دموکراسی و در نهایت، دستیابی به صلح و در مقابل، نارواداری را در جوامع چندقومیتی، چندمذهبی یا چندفرهنگی به عنوان سرمنشأ نقض حقوق جهان‌شمول بشری، خشونت و مخاصمات مطرح می‌نماید.

کثرت اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها، تصویب‌نامه‌ها، توصیه‌نامه‌ها و برنامه‌های آموزشی سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان یونسکو در باب ضرورت آموزش رواداری و تدوین برنامه‌های درسی و عملی در نهادهای مختلف آموزشی در این باب حکایت از توجه روزافزون جامعه‌ی بین‌المللی به نقش سازنده‌ی آموزش رواداری در ارتقا حقوق بشر و دستیابی به صلح دارد. اشارات موجود در اسناد مختلف بین‌المللی به‌ویژه اعلامیه‌ی اصول رواداری و برنامه و طرح اقدام صلح به عنوان اسناد پایه، حکایت از ضرورت و اهمیت آموزش و تفوق آن بر سایر الزام‌ها و هنجارهای قانونی دارد. به همین منظور، مستفاد از بند ۴ ماده‌ی ۴ اعلامیه‌ی اصول رواداری، آموزش معلمان، مواد آموزشی، محتوای دروس، کتاب‌های درسی و مواد دیگر آموزشی باید حاوی نکات و ارزش‌هایی به منظور تربیت شهروندانی با احساس مسئولیت و همبستگی و پذیرش و گشودگی در قبال فرهنگ‌های مختلف و احترام به کرامت انسانی تمامی افراد باشد. رسیدن به این مرحله گامی اساسی در نهادینه‌سازی رواداری است که مستلزم تلاش‌های مستمر در عرصه‌ی بین‌المللی و ملی به‌ویژه در عرصه‌ی آموزش می‌باشد.

منابع

فارسی

- آشوری، داریوش، (۱۳۸۵)، «چرا رواداری؟ کندوکاوی در معنای یک ترم و برابر نهاده ی آن»، مجله ی رواداری، شماره اول.
- پوپر، کارل، (۱۳۸۰)، جامعه ی باز و دشمنانش، ترجمه ی عزت‌ا... فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
- جهاننگلو، رامین، (۱۳۸۶)، تفاوت و تساهل، تهران، نشر مرکز.
- ژاندرن، ژولی سادا، (۱۳۸۲)، تساهل در تاریخ اندیشه ی غرب، ترجمه ی عباس باقری، تهران، نشر نی.
- سیمونیدس، جانوس، (۱۳۸۳)، حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، جلد دوم، ترجمه ی دکتر محمدعلی شیرخانی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش.
- قربانی دهناری، احد، (۱۳۹۲)، رواداری: روند شکل‌گیری، ژرفش و نهادینه شدن آن در غرب، گوتنبرگ، نشر ماز.
- گلشاهی، کریم، (۱۳۷۶)، «ترجمه ی رساله ی نامه‌ای در باب تساهل»، پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- نیاورانی، صابر، (۱۳۸۹)، «آموزش حقوق بشر از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر»، مهر نامه، شماره ی هفتم، سال اول.
- وکیل، امیر ساعد، (۱۳۸۳)، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

انگلیسی

- Agius, Emmanuel & Ambrosewicz, Jolanta. (2003), *Towards a Culture of Tolerance and Peace*, International Bureau for Children's Rights.
- Fiala, Andrew.(2005), *Tolerance and Ethical Life*, British Library Cataloguing.
- Heyd, David.(1996), *Toleration: An Elusive Virtue*, Princeton, NJ: Princeton University.
- Symonides, Janusz, *The United Nations System Standard - Setting Instruments and Programmes to Combat Racism and Racial Discrimination*, United to Combat Racism: Dedicated to the World.

- “Conference against Racism, Racial Discrimination, Xenophobia and Related Intolerance”, UNESCO, 2001.
- *Tolerance; the Threshold of Peace: A Teaching/Learning Guide for Education for Peace, Human Rights and Democracy*. UNESCO.
- UNESCO. (1991), *Peace Is in Our Hands*, Paris: UNESCO Publishing.
- _____. (2006), “Guidelines on Intercultural Education, Section of Education for Peace and Human Rights, Division for the Promotion of Quality Education”, Education Sector.
- Walzer, Michael. (1997), *On Toleration Castle Lectures in Ethic, Politics, and Economics*, Yale University Press.
- Williams, Melissa s. & Waldron, Jeremy. (2008), *Toleration And Its Limits*, New York University Press.

1. Articles

- Corneo, Giacomo & Jeanne Olivier. (2007), “A Theory of Tolerance”, CESIFO Working Paper, No.1941.
- Ellwood, Charles. (2008), “Intolerance”, Aarhus University, Department Of Political Science.
- Forst, Rainer. (2012), “Toleration”, the Stanford Encyclopedia of Philosophy (Summer 2012 Edition), Edward N. Zalta (Ed.)
- Hossain, Kamal. (1997), “The Right to a Culture of Tolerance”, the commonwealth Human Rights Initiative.
- Hughes, Edel & Cavanaugh, Kathleen, “The Right to Peace”, Edited by K.M. Smith, Rhona & Anker, Christien.
- Mushakoji, Kinhide. (2004), “The Phenomenon of Xenophobia in Relation to Racism and Racial Discrimination”, *Struggle against Discrimination*, UNESCO.

2. Documents

- Charter of the United Nations (1945), Available at:
<http://www.un.org/en/documents/charter/index.shtml>
- Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities. Adopted by General Assembly Resolution 47/135 of 18 - December 1992, Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/47/a47r135.htm>
- World Conference on Human Rights: Vienna Declaration and Programme of Action (1993). A/CONF.157/23. Available at:
<http://www.unhchr.ch/huridocda/huridoca.nsf/%28symbol%29/a.conf.157.23.en>

- Declaration of Principles on Tolerance, Adopted on 16 November 1995, the 50th anniversary of the signature of UNESCO's Constitution. Available at: http://www.unesco.org/webworld/peace_library/UNESCO/HRIGHTS/124-129.HTM
- Universal Declaration on Cultural Diversity, Adopted by the 31st session of the UNESCO General Conference - Paris, 2 November 2001. Available at: <http://www.unesco.org/most/rr4dec81.htm>
- Constitution of the United Nations Educational, Scientific, and Cultural Organization. Adopted in London on 16 November 1945 and Amended by the General Conference at its Second, Third, Fourth, Fifth, Sixth, Seventh, Eighth, Ninth, Tenth, Twelfth, Fifteenth, Seventeenth, Nineteenth, Twentieth, Twenty-first, Twenty-fourth, and Twenty-fifth Sessions. Available at: http://www.icomos.org/unesco/unesco_constitution.html
- Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief. General Assembly Resolution 36/55 of 25 November 1981. Available at: <http://www.unesco.org/most/rr4dec81.htm>.
- Plan Of Action For The United Nations Decade for Human rights Education (1994). Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/49/a49r184.htm>
- Resolution 60/160 Adopted by the UN General Assembly: Effective Promotion of the Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities. Available at: <http://daccess-dds - - ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N05/497/20/PDF/N0549720.pdf?OpenElement>
- Declaration of Principles of International Cultural Cooperation. Adopted on 4 November 1966 by the General Conference of UNESCO at its Fourteenth Session held in Paris. Available at: http://portal.unesco.org/en/ev.php.URL_ID=13147&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- Resolution 35/200 Adopted by the UN General Assembly: Measures to be Taken Against Nazi, Fascist and Neo- Fascist Activities and all Other Forms of Totalitarian Ideologies and Practices Based on Racial Intolerance, Hatred and Terror (1980). A/RES/35/200. Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/35/a36r200.htm>
- Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide. Approved and proposed for Signature and Ratification or Accession by General

Assembly Resolution 260 A (III) of 9 December 1948. Available at:
<http://www2.ohchr.org/english/law/Genocide.htm>

- Outcome Document of the Durban Review Conference. A/CON.211/8. Available at:

http://www.un.org/durbanreview2009/pdf/Durban_Review_outcome_document_En.pdf

- Resolution 64/47 Adopted by the UN General Assembly: Inadmissibility of Certain Practices that Contribute to Fuelling Contemporary forms of Racism, Racial Discrimination, Xenophobia and Related Intolerance. A/RES/64/47. Available at:
<http://www2.ohchr.org/english/issues/Racism/Rapporteur/docs/A-64-47.pdf>

- Durban Declaration and Programme of Action adopted by the World Conference against Racism, Racial Discrimination, Xenophobia and Related Intolerance, held in Durban,

- South Africa, from 31 August 8 September 2001. Available at
<http://www.un.org/WCAR/durban.pdf>

United Nations Declaration on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination. Proclaimed by General Assembly resolution 1904 (XVIII) of 20 November 1963.

Available at: <http://www2.ohchr.org/english/law/cerd.htm>

- International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination. Adopted and Opened for Signature and Ratification by General Assembly resolution 2106 (XX) of 21 December 1965. Available at:

<http://www2.ohchr.org/english/law/cerd.htm>

- Intergovernmental Conference on Education For International Understanding, Co-Operation And Peace And Education Relating To Human Rights and Fundamental Freedoms, With a View to Developing a Climate of Opinion Favorable to the Strengthening of Security And Disarmament (1983). Available at:

<http://unesdoc.unesco.org/images/0005/000546/054642eb.pdf>

- Resolution 60/144 Adopted by UN General Assembly: Global Efforts for the Total Elimination of Racism, Racial Discrimination, Xenophobia and Related Intolerance and the Comprehensive Implementation of and Follow-up to the Durban Declaration and Programme of Action. Available at:

<http://www.Undemocracy.com/A-RES-60-144.pdf>

- Declaration Regarding Intolerance - A Threat to Democracy (Adopted by the Committee of Ministers on 14 May 1981 at its 68th Session). Available at:

<http://wcd.coe.int/wcd/ViewDoc.jsp?id=682325>

- Resolution 51/101. Adopted by UN General Assembly: Culture of Peace. A/RES/51/101. Available at:

<http://www.Undemocracy.com/A-RES-51-101.pdf>

- Declaration of the Rights of the Child. UN General Assembly Resolution 1386(XIV), 1959. 14 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 19, U.N. Doc. A/4354. Available at: <http://www.cirp.org/Library/ethics/UN-Declaration>

- Convention on the Rights of the Child. Adopted and Opened for Signature, Ratification and Accession by General Assembly Resolution 44/25 of 20 November 1989. Available at: <http://www2.ohchr.org/English/Law/crc.htm>

- Resolution 60/166. Adopted by UN General Assembly: Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief. A/RES/60/166. Available at:

[\[ddsny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N05/497/56/PDF/N0549756.pdf?OpenElement\]\(http://daccess-ddsny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N05/497/56/PDF/N0549756.pdf?OpenElement\)](http://daccess-</p></div><div data-bbox=)

- Organization for Security and Co-operation in Europe 6 December 2005. Ministerial Council. Decision No. 10/05. Tolerance and Non-Discrimination: Promoting Mutual Respect and Understanding. MC.DEC/10/05. Available at:

<http://www.osce.org/mc/17462>

- Resolution 50/173. Adopted by UN General Assembly: United Nations Decade for Human Rights Education: Towards a Culture of Peace. Available at:

[http://www.unhchr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/%28Symbol%29/A.RES.50.173.En?](http://www.unhchr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/%28Symbol%29/A.RES.50.173.En?Opendocument)

Opendocument

- Council of Europe, "Religious Tolerance in a Democratic Society", Parliamentary Assembly, Recommendation 1202(1993), Available at:

<http://assembly>

[.coe.int/Main.asp?link=/Documents/AdoptedText/ta93/EREC1202.htm](http://www.coe.int/Main.asp?link=/Documents/AdoptedText/ta93/EREC1202.htm)

- Convention (N 169) concerning Indigenous and Tribal Peoples in Independent Countries(1989). Available at:

<http://www.ilo.org/ilolex/cgi-lex/convde.pl?C169>

- UNESCO Recommendation Concerning Education for International

Understanding, Cooperation and Peace and Education Relating to Human Rights and Fundamental Freedoms. Adopted by the General Conference at its Eighteenth Session, Paris, 19 November 1974. Available at:

http://www.unesco.org/education/nfsunesco/pdf/Peace_e.pdf

- Declaration on the Promotion among Youth of the Ideals of Peace, Mutual Respect and Understanding between Peoples. Proclaimed by General Assembly resolution 2037 (XX) of 7 December 1965. Available at:

- http://www.essex.ac.uk/armedcon/story_id/000316.html
- Declaration on the Role of Religion in the Promoting of a Culture of Peace. Organized by UNESCO, took place in Barcelona from 12 to 18 December, 1994. Available at: <http://www.unesco.org/cpp/uk/declarations/religion.pdf>
 - Resolution 64/174. Adopted by UN General Assembly: Human Rights and Cultural Diversity. A/RES/64/174. Available at: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N09/472/27/PDF/N0947227.pdf?OpenElement>
 - Declaration and Programme of Action on a Culture of Peace. Adopted by the General Assembly, 6 October 1999, A/RES/53/243, Available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3b00f54e0.html>
 - Yamoussoukro Declaration on Peace in the Minds of Men, 26 June-1 July 1989. Available at: <http://www.unesco.org/cpp/uk/Declarations/Index.html>
 - The French Declaration of Rights of Man and the Citizen of August 26 (1789). Available at: http://avalon.law.yale.edu/18th_century/rightsof.asp
 - Final Act of the International Conference on Human Rights, Tehran, 13 May 1968. Available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3ae6b36f1b.html>
 - An Agenda for Peace: Preventive diplomacy, peacemaking and peace-keeping: Report of the Secretary-General. Available at: http://www.unrol.org/doc.aspx?n=A_47_277.pdf
 - Declaration on the Elimination of Violence against Women, 20 December 1993, A/RES/48/104, Available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3b00f25d2c.html>
 - Convention on the Elimination of All forms of Discrimination against Women. Adopted by the UN General Assembly on 18 December 1979 (Resolution 34/180). Available at: <http://www.hrweb.org/legal/cdw.html>.